بیست و چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

نمایش

نشریه روزانه

جدول اجرای نمایش‌های خیابانی بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

۳۰ دی تا ۹ بهمن ماه ۱۳۸۴

تئاتر برای همه

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
بیست و چهارمین
تهران - ۳۰ دی ماه تا ۹ بهمن ماه ۱۳۸۴

مراسم افتتاحیه جشنواره ـ جمعه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۸۴ ـ فضای باز تئاتر شهر

با حضور گروه‌های نمایشی افتو چک‌گیر (سیاهکل)، هامون هامون است (زاهدان) ـ نیله سوار (بروجن) ـ سنگ، کاغذ، قیچی (ملایر) ـ از ت تا میم (بوشهر) و گروه‌های نمایش‌های تهران

مکان / زمان / ساعت اجراء	فضای باز تئاتر شهر ۱۵	فضای باز تئاتر شهر ۱۵:۳۰	بوستان دانشجو (ضلع شمالی) ۱۶	بوستان دانشجو (ضلع شمالی) ۱۶:۳۰	بوستان دانشجو (ضلع جنوبی) ۱۷	بوستان دانشجو (ضلع جنوبی) ۱۷:۳۰	باغ هنر (خانه هنرمندان) ۱۶:۳۰	بوستان شهر (میدان ساعت) ۱۶	بوستان راه آهن ۱۵:۳۰	فرهنگسرای بهمن ۱۶:۳۰	فرهنگسرای شفق (دانشجو) ۱۶:۳۰	بوستان ملت ۱۶	بوستان خیام ۱۶	خانه فرهنگ فدک ۱۶:۳۰	رویروی تالار وحدت ۱۷	رویروی تالار مولوی ۱۶:۳۰	بوستان لاله (بازار گل) ۱۶
شنبه اول بهمن ماه ۱۳۸۴	همه جا آسمان... جمشید عسگری تهران	جان سخت محمد بی ریا تهران	سنگ صبور امیر مسیبی تهران	از ت تا میم محمدرضا دیناروند بوشهر	هامون هامون است غلامرضا پودینه زاهدان	آفتو چک گیر محمود فرضی نژاد سیاهکل	نیله سوار احمد مردانی بروجن	طالب عبدالرضا فریدزاده تهران	دو برادر پژمان کاشفی تهران	غاصبین مرتضی وکیلیان تهران			سنگ، کاغذ، قیچی مهدی حبیبی ملایر			خانه دوست ابوذر چهل امیرانی تهران	
یکشنبه دوم بهمن ماه ۱۳۸۴	نیله سوار احمد مردانی بروجن	خانه دوست ابوذر چهل امیرانی تهران	همه جا آسمان... جمشید عسگری تهران	دو برادر پژمان کاشفی تهران	طالب عبدالرضا فریدزاده تهران	هامون هامون است غلامرضا پودینه زاهدان	آفتو چک گیر محمود فرضی نژاد سیاهکل	جان سخت محمد بی ریا تهران	سنگ صبور امیر مسیبی تهران		از ت تا میم محمدرضا دیناروند بوشهر	سنگ، کاغذ، قیچی مهدی حبیبی ملایر	برادر جان عقیل تقی زاده تهران		غاصبین مرتضی وکیلیان تهران		
دوشنبه سوم بهمن ماه ۱۳۸۴	نیله سوار احمد مردانی بروجن	این گروه خشن حمیدرضا مرادی تهران	خاطره نخلها ایرج کله جاهی اصل تهران	قایم باشک بهنام هدایتی تهران	دست از سرم بردار ابوذر چهل امیرانی تهران	سنگ، کاغذ، قیچی مهدی حبیبی ملایر	هامون هامون است غلامرضا پودینه زاهدان	آفتو چک گیر محمود فرضی نژاد سیاهکل	همه جا آسمان... جمشید عسگری تهران	جان سخت محمد بی ریا تهران	سنگ صبور امیر مسیبی تهران		طالب عبدالرضا فریدزاده تهران	دو برادر پژمان کاشفی تهران	ارث پدری جمشید عسگری تهران	از ت تا میم محمدرضا دیناروند بوشهر	برادر جان عقیل تقی زاده تهران
سه شنبه چهارم بهمن ماه ۱۳۸۴	طالب عبدالرضا فریدزاده تهران	خانه دوست ابوذر چهل امیرانی تهران	مد فرهاد شکرا... زاده رودسر	معرکه یک پهلوان محمد زارع زاده سقز	کاش آدمها اینطور... امیر زینال پور خوی	ارث پدری جمشید عسگری تهران	چتری برای من سید سروش پیمبری کرمانشاه	هامون هامون است غلامرضا پودینه زاهدان	آفتو چک گیر محمود فرضی نژاد سیاهکل	نیله سوار احمد مردانی بروجن	سنگ، کاغذ، قیچی مهدی حبیبی ملایر	در تماس خداداد خدام اراک	از ت تا میم محمدرضا دیناروند بوشهر	سنگ صبور امیر مسیبی تهران	بای سیکل ران محسن عبدلی مراغه	زندانی فراری مختار محمدی مریوان	خاطره نخلها ایرج کله جاهی اصل تهران
چهارشنبه پنجم بهمن ماه ۱۳۸۴	چتری برای من سید سروش پیمبری کرمانشاه	کاش آدمها اینطور... امیر زینال پور خوی	معرکه یک پهلوان محمد زارع زاده سقز	خاطره نخلها ایرج کله جاهی اصل تهران	قایم باشک بهنام هدایتی تهران	سنگ صبور امیر مسیبی تهران	این گروه خشن حمیدرضا مرادی تهران	بای سیکل ران محسن عبدلی مراغه	زندانی فراری مختار محمدی مریوان	دست از سرم بردار ابوذر چهل امیرانی تهران	در تماس خداداد خدام اراک	دو برادر پژمان کاشفی تهران	مد فرهاد شکرا... زاده رودسر	جان سخت محمد بی ریا تهران	همه جا آسمان... جمشید عسگری تهران	طالب عبدالرضا فریدزاده تهران	
پنج شنبه ششم بهمن ماه ۱۳۸۴	ارث پدری جمشید عسگری تهران	زندانی فراری مختار محمدی مریوان	دست از سرم بردار ابوذر چهل امیرانی تهران	این گروه خشن حمیدرضا مرادی تهران	دو برادر پژمان کاشفی تهران	غاصبین مرتضی وکیلیان تهران	کاش آدمها اینطور... امیر زینال پور خوی	چتری برای من سید سروش پیمبری کرمانشاه	قایم باشک بهنام هدایتی تهران	بای سیکل ران محسن عبدلی مراغه	معرکه یک پهلوان محمد زارع زاده سقز	در تماس خداداد خدام اراک	خاطره نخلها ایرج کله جاهی اصل تهران	مد فرهاد شکرا... زاده رودسر	خانه دوست ابوذر چهل امیرانی تهران	برادر جان عقیل تقی زاده تهران	جان سخت محمد بی ریا تهران
جمعه هفتم بهمن ماه ۱۳۸۴	همه جا آسمان... جمشید عسگری تهران	برادر جان عقیل تقی زاده تهران	قایم باشک بهنام هدایتی تهران	در تماس خداداد خدام اراک	ارث پدری جمشید عسگری تهران	دست از سرم بردار ابوذر چهل امیرانی تهران	غاصبین مرتضی وکیلیان تهران	کاش آدمها اینطور... امیر زینال پور خوی	چتری برای من سید سروش پیمبری کرمانشاه			بای سیکل ران محسن عبدلی مراغه	معرکه یک پهلوان محمد زارع زاده سقز		مد فرهاد شکرا... زاده رودسر	زندانی فراری مختار محمدی مریوان	این گروه خشن حمیدرضا مرادی تهران
شنبه هشتم بهمن ماه ۱۳۸۴	خانه دوست ابوذر چهل امیرانی تهران	بای سیکل ران محسن عبدلی مراغه	مد فرهاد شکرا... زاده رودسر	غاصبین مرتضی وکیلیان تهران	خاطره نخلها ایرج کله جاهی اصل تهران	این گروه خشن حمیدرضا مرادی تهران	دست از سرم بردار ابوذر چهل امیرانی تهران	قایم باشک بهنام هدایتی تهران		چتری برای من سید سروش پیمبری کرمانشاه		برادر جان عقیل تقی زاده تهران	زندانی فراری مختار محمدی مریوان	معرکه یک پهلوان محمد زارع زاده سقز	ارث پدری جمشید عسگری تهران	کاش آدمها اینطور... امیر زینال پور خوی	در تماس خداداد خدام اراک

بوستان دانشجو: خیابان ولیعصر (عج)، تقاطع انقلاب، مقابل مجموعه فرهنگی - هنری تئاتر شهر
خانه هنرمندان ایران: خیابان طالقانی، خیابان شهید موسوی شمالی، ضلع جنوبی باغ هنر
تالار وحدت: خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار
بوستان ملت: خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از میدان ونک
بوستان لاله: خیابان کارگر، تقاطع بلوار کشاورز
بوستان شهر: خیابان وحدت اسلامی، خیابان بهشت

فرهنگسرای شفق: خیابان سید جمال الدین اسدآبادی، خیابان بیست و یکم، بوستان شفق
بوستان خیام: خیابان ۱۷ شهریور، خیابان خشکبارچی
تالار مولوی: خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر
خانه فرهنگ فدک: خیابان آیت ا... مدنی (نظام آباد)، کوچه فدک، بوستان فدک
بوستان راه آهن: میدان راه آهن، ضلع شمال شرقی میدان
فرهنگسرای بهمن: میدان بهمن

Dramatic Arts Center
مرکز هنرهای نمایشی
dac@neda.net
www.theater.ir

انجمن نمایش

بسم الله الرحمن الرحیم

Dramatic Arts Center

انتشارات نمایش

نشریه روزانه
بیست و چهارمین
جشنواره
بین‌المللی
تئاتر فجر
شماره دوم
۱ بهمن ۱۳۸۴

زیر نظر :مرکز هنرهای نمایشی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سرمقاله

حسین پارسایی

جشنواره‌هایی که گذشت...

نور زمستانی

ما همدیگر را در یک روز برفی ملاقات کردیم. در قسمتی از هوا که سرد نبود، نیرویی من را به سوی خودش می‌کشید. چون یک جاده گرم با پنبه‌های سفید در اطرافش. آنجا ایستاده بود بر بالای ابرهای سفید و زمین‌های خیس. رابطه ما چیزی بیشتر از یک خاطره مشترک شد. قسمتی از خود زندگی، همه چیز گاهی می‌تواند با خریدن یک بلیت آغاز شود... کی بود که اولین بلیت تئاتر را خریدم، شما یادتان می‌آید؟ من خوب یادم است. اولین بلیت، دومین بلیت، سومین... هر بلیت مرا می‌برد به میانه خیال‌های جدید... جایی که ندیده بودم... مسافر پله‌های آبی، خیال‌های بزرگ، ارتفاع رویای آدم‌ها... خیلی چیزها می‌تواند با خریدن اولین بلیت، ایستادن در صف جشنواره، مرور جدول برنامه‌ها و علامت گذاشتن کنار تئاترهایی که می‌خواهیم ببینیم آغاز شود. جدول برنامه پر از علامت می‌شود... نشانه‌های رنگی... و تمام نورهایی که روی صحنه روشن و خاموش می‌شوند. حالا جشنواره بیست و چهارم آمده.

خدایا! بیست‌وچهار سال، تو خود گواهی که من تمام این سال‌ها را ضبط کرده، ثبت کرده و گذاشته‌ام همان حوالی گوشه دلم. آرام و بی‌صدا. مثل سفیدی ملایمی که حالا این روزها نرم نرم دویده در پای موهایم.

روبه‌روی تئاتر شهر... باز هم در قسمتی از هوا نوری روشن است.

دوست قدیمی‌ام با پالتو پشمی‌اش در کنار خیمه‌گاه منتظر ایستاده. دارم به سمت او می‌روم، برمی‌گردم و به گیشه‌ها نگاه می‌کنم، انبوهی از دوستان جدید... خدای من کسانی هستند که دارند اولین بلیت را می‌خرند، خیلی چیزها می‌تواند با خریدن یک بلیت تئاتر آغاز شود.

خدایا، من را و دوستانم را یاری فرما.

اخبار ویژه

■ دیدار مسوولان جشنواره با گروه‌های شهرستانی

شب گذشته حسین پارسایی به همراه حسین مسافر آستانه و سایر دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره در هتل فردوسی حاضر شدند ضمن خیر مقدم با گروه‌های شهرستانی دیدار و گفت و گو کردند.

■ دو تغییر در برنامه‌های بخش بین‌الملل جشنواره

محمد اطبایی مسئول بخش بین‌الملل جشنواره از دو تغییر در برنامه جشنواره خبر داد. اطبایی اعلام کرد: نمایش هابیل و قابیل از ترکمنستان به علت برف و بوران به جشنواره نرسید و وزارت فرهنگ ترکمنستان این موضوع را رسماً به جشنواره اعلام کرده است.

با این حساب به جای «هابیل و قابیل» در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه نمایش «شاباش» از سوریه اجرا می‌شود. اعضای گروه نمایش «بامبی ۸» از هلند نیز به دلیل مشکل تأخیر در پرواز میانی (استانبول – تهران) تا آخرین ساعات دیشب در استانبول به سر می‌بردند و بعید نیست تا هنگام چاپ نشریه روزانه به تهران رسیده باشند.

■ عرضه کتاب‌های انتشارات نمایش در جشنواره

سالن انتظار تالارهای اصلی و وحدت امسال شاهد عرضه کتاب‌های منتشر شده انتشارات نمایش است. بیش از یکصد عنوان کتاب موجود در انتشارات نمایش به مخاطبان جشنواره عرضه می‌شود؛ البته به قیمت پشت جلد.

اگر دانشجو هستید یادتان باشد حتماً از متصدی غرفه تخفیف بخواهید.

■ اسامی داوران کانون ملی منتقدان تئاتر اعلام شد

داوران کانون ملی منتقدان تئاتر ایران در بیست‌وچهارمین جشنواره تئاتر فجر معرفی شدند.علیرضا غفاری، رحمت امینی و حسن وارسته نمایش‌های شرکت‌کننده در بخش‌های منتخبان آثار برتر جشنواره‌های استانی، تولیدات جدید و منتخب تولید ۸۴ جشنواره را داوری می‌کنند.

جوایز داوران کانون ملی منتقدان در مراسم اختتامیه جشنواره اهدا خواهد شد.

مدیرمسؤول:
حسین مسافر آستانه

سردبیر:
کیوان کثیریان

مدیر داخلی:
هادی جاودانی

بخش نقد و مقاله:
بهزاد صدیقی

بخش انگلیسی:
سمیه قاضی‌زاده

تحریریه:
فروغ سجادی، فهیمه پناه‌آذر، نسیم احمدپور، شیما بهره‌مند، طوفان مهردادیان، مهرداد ابوالقاسمی، فکور پور

مدیر هنری:
مهدی مهرابی

مدیر امور رایانه:
رحیم اخباری

ویراستار:
کامران محمدی

حروف‌نگار:
عباس میرزاجعفر

عکاس:
امیر امیری

طراح نامواره:
علی رستگار

مدیر فنی:
انوشیروان میرزایی

چهار نمایش از آلمان در جشنواره

چهار نمایش از آلمان میهمان بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است.

در بیست‌وچهارمین جشنواره تئاتر فجر چهار گروه تئاتر آلمانی برنامه اجرا می‌کنند. یوهانا به کارگردانی آنیه گروناو، لا استرادا به کارگردانی علی جلالی، شیطان با سه شاخه موی طلایی از شهر فرایبورگ که برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است و کاغذبازی از شهر نورنبرگ در جشنواره امسال اجرا خواهند داشت و انستیتو گوته و سفارت آلمان، از جمله حمایت‌کنندگان مالی این اجراها هستند.

یوهانا براساس نمایشنامه دوشیزه اورلیان اثر شیلر نوشته و کارگردانی شده است. تاکید این نمایشنامه بر این است که چگونه انسان در دوران بی‌تفاوتی و شخصی‌گرایی می‌تواند برای خود آرمانی داشته باشد و این آرمان را حفظ کند، گرچه مورد تمسخر قرار گیرد. مطبوعات آلمان این نمایش را بسیار تمجید کرده‌اند. روزنامه‌نگار دویچلاند می‌نویسد: شبی شلوغ و زنده پر از خشمی آرمان‌گرایانه، تصاویری که کارگردان و بازیگرها به دست می‌دهند، سرزنده و تاثیرگذار است.

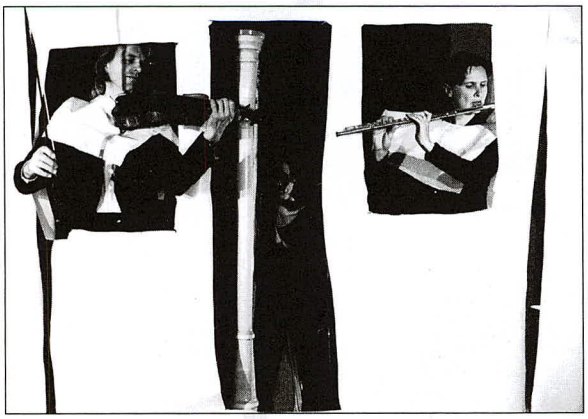

لااسترادا برگرفته از فیلم اسکاری فدریکو فلینی است. علی جلالی در این نمایش وابستگی، عشق، امتناع و خشم را نشان می‌دهد. جلالی در سال ۱۹۸۹ با نمایش سوییس در خردل اولین نویسنده ایرانی بود که اثری از او در آلمان روی صحنه می‌رفت و حال این موفقیت را با لااسترادا ادامه می‌دهد. مجله تئاتر آکتویل با تحسین می‌نویسد: تصاویری که جلالی خلق می‌کند شفاف است و نتیجه آن داستانی است که به طور فوق‌العاده تعریف می‌شود. مانند سال گذشته، امسال هم تئاتر مارین باد با نمایشنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان در تهران است. دیتر کومل در شیطان با سه شاخ موی طلایی داستان سرشار از شوخی و طنز پسر روستایی را تعریف می‌کند که اجازه دارد تا زندگی دوباره‌ای شروع کند و سرانجام با شاهزاده خانمی ازدواج می‌کند.

کاغذ بازی از گروه تئاتر شهر نورنبرگ در همکاری با دبوسی تریو مونیخ از نوع دیگری است. با استفاده از موسیقی ساتی نمایشی اجرا می‌شود، که بازیگران آن کاغذ و موسیقی هستند. ساتی که هم عصر راولو دبوسی بوده، از مشهورترین موسیقی‌دان‌های فرانسه است. ساتی موسیقی خود را چنین تعریف می‌کند: می‌دانید پاک‌شویی اصوات چطور انجام می‌شود؟ کار نسبتا کثیفی است.

نمایش مشترک ایران، ژاپن و رومانی در اولین روز جشنواره

«صخره‌های آبی» به کارگردانی ایزومی آشیزاوا در تالار سایه تئاتر شهر اجرا شد. در این نمایش که قرار بود به عنوان تولید مشترک ژاپن و رومانی اجرا شود، چند بازیگر ایرانی نیز همکاری می‌کنند.

آزاده چاووشی و سپیده صیفوری در نقش صخره و هلیا جعفری در نقش ماسک آور بازیگران ایرانی این نمایش هستند که ایزومی آشیزاوا و دو بازیگر دیگر نمایش را همراهی کردند.

داوران بنیاد شهید معرفی شدند

مجید جعفری، اصغر همت، مهدی متوسلی و سید وحید میرمبینی نمایش‌های جشنواره بیست و چهارم را برای بنیاد شهید داوری می‌کنند.

اسامی داوران انجمن تئاتر خیابانی خانه تئاتر اعلام شد

۱- دکتر کمال‌الدین شفیعی
۲- خسرو بامداد
۳- رحمت امینی
۴- منوچهر اکبرلو
۵- ژوبین غازیانی
۶- حامد شیدایی
۷- علیرضا دهقانی
۸- فرامرز شاه قلعه

اسامی مدیران خارجی حاضر در جشنواره اعلام شد

امسال علاوه بر هنرمندان و دست‌اندرکاران گروه‌های نمایشی بخش بین‌الملل، عده‌ای از مدیران جشنواره‌های جهانی نیز به تهران آمده‌اند تا با دیدن نمایش‌های جشنواره فجر برای جشنواره‌های خود کار انتخاب کنند.

اسامی مدیران و مسوولان میهمان به این شرح است:

۱- هاندوردی بردیف، معاون مدیر تئاتر آلب ارسلان (ترکمنستان)
۲- آیمت احسان قلیف، مسوول تئاتر در وزارت فرهنگ (ترکمنستان)
۳- کوچمیرات بکیف، مدیر تئاتر آلب ارسلان (ترکمنستان)
۴- یاسمن رمضان آوا، مسوول تئاتر عروسکی جمهوری خودمختار نخجوان
۵- میسورا زدنکا، مدیر تئاتر عروسکی شهر اشپلیت (کرواسی)
۶- کریستف اسلاگمویلدر، مدیر جشنواره هنر بروکسل (بلژیک)
۷- مارک آندراس هرمن گونتر، مدیر تئاتر شهر کلن و سخنران برنامه بزرگداشت برشت (آلمان)
۸- لوان ختاگوری، دبیرکل آی‌تی‌آی گرجستان
۹- گئورگی مارگو لاشویلی، رییس دانشگاه دولتی سینما و تئاتر گرجستان
۱۰- آندراس کریستدولیدس، مدیر هنری تئاتر انا (قبرس)
۱۱- آنا مارانگو، مشاور هنری تئاتر انا (قبرس)
۱۲- فری دوگئوس، کارگردان تئاتر و کارشناس تولید مشترک (هلند)
۱۳- لون بورونسوزیان، کارگردان، بازیگر و مدرس تئاتر (اروگوئه)
۱۴- ژاک ون وین، مدیر هنری جشنواره هلند (هلند)
۱۵- روبرتو چولی، مدیر تئاتر روهر و مدیر جشنواره شب‌های سفید مولهایم (آلمان)
۱۶- مئوس مارت، بازیگر و مدیر اتحادیه رام تالین (استونی)
۱۷- کاترین سوکاس، بازیگر و عضو اتحادیه رام (استونی)
۱۸- مرل کاروسو، تهیه‌کننده تئاتر (استونی)
۱۹- انتز لوستی، مدیر اتحادیه رام (استونی)
۲۰- گرترود کرستا هافمن، مدرس، نویسنده و محقق تئاتر / سخنران بزرگداشت برشت (آلمان)
۲۱- دیتر کومل، کارگردان و مدیر جشنواره تئاتر فرایبورگ (آلمان)
۲۲- فولکر لیپمان، بازیگر، کارگردان، مدیر تئاتر تیفروت کلن و سخنران بزرگداشت برشت (آلمان)
۲۳- نیل ون درلیندن، مشاور فرهنگی جشنواره‌های هلند و کشورهای عربی و سخنران نشست تخصصی (هلند)
۲۴- ورنارد زیلور، مدیر تئاتر بامبی و سخنران نشست تخصصی (هلند)
۲۵- ویکتور گولچنکو، کارگردان و مدرس تئاتر، مدیر لابراتوار بین‌المللی چخوف مسکو (روسیه)
۲۶- یانژ پیپان، مدیر هنری تئاتر ملی اسلوونی
۲۷- اشتفان اشمیلکه، مدیرهنری جشنواره وین (اتریش)

دیدار ایمانی خوشخو از دفتر نشریه روزانه

دکتر محمد ایمانی خوشخو، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شب گذشته از دفتر نشریه روزانه دیدن کرد. وی که به همراه حسین پارسایی و سایر همراهان، در مجموعه تئاتر شهر به سر می‌برد پس از پایان مراسم افتتاحیه سری هم به دفتر نشریه زد و در جریان کم و کیف امور قرار گرفت. نپرسید که چرا تصویری از این دیدار نداریم. ماییم و یک عکاس که مهم‌ترین کار ما در طول روز پیدا کردن اوست!

اجرای چهار نمایش عروسکی در جشنواره تئاتر فجر

سه نمایش عروسکی در بخش داخلی و یک نمایش از کشور کرواسی در بخش بین‌الملل بیست‌وچهارمین جشنواره تئاتر فجر در تالار هنر اجرا می‌شود.

«هدیه جشن سالگرد» نمایشی عروسکی مناسب گروه سنی بزرگسال است که به شیوه‌های عروسک‌گردانی نخی، سایه، عروسک سیاه و استفاده از اشیا در عروسک‌گردانی اجرا می‌شود. این نمایش که یکی از تولیدات دهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی کشور (سال ۸۳) است، در جشنواره تئاتر فجر امسال در بخش منتخب تولیدات سال ۸۴ روی صحنه خواهد رفت. نمایش مذکور در سه جشنواره خارجی دنیا، فنلاند، چک و روسیه اجراشد و مردادماه در تالار نو تئاتر شهر روی صحنه رفت.

«روشنک روشن» کارگردان و «افشین هاشمی» بازیگر این نمایش عروسکی است که در آخرین روز جشنواره هشت بهمن ماه ساعت ۱۷در تالار هنر اجرا می‌شود.

«ماه پیشونی» به کارگردانی «آزاده انصاری» نیز نمایش عروسکی ویژه کودکان یکی دیگر از تولیدات جشنواره دهم عروسکی سال ۸۳ است که سال گذشته در تالار کوچک تئاتر شهر اجرای عمومی شد. شیوه عروسک‌گردانی این نمایش نخی است و طی روزهای هفتم و هشتم بهمن ماه ساعت ۱۷ در تالار هنر به روی صحنه می‌رود. «بادبزن جوانی» نیز نمایش عروسکی از کشور کرواسی است که از سومین تا ششمین روز جشنواره ساعت ۱۷ در بخش بین‌الملل بیست‌وچهارمین جشنواره تئاتر فجر میهمان تالار هنر است. اپرای عروسکی رستم و سهراب به کارگردانی بهروز غریب‌پور نیز اولین اپرای نخی ایران است که در ایام جشنواره از ۳۰ دی ماه تا ۸ بهمن ماه ساعت ۱۹ در تالار فردوسی اجرا خواهد شد.

یک اتفاق غریب و تازه در جشنواره تئاتر فجر

همه نمایش‌های اولین روز جشنواره تئاتر فجر بدون تاخیر، سر ساعت اعلام شده اجرا شد و خبرنگاران و منتقدان بدون دردسر و جنگ و دعوا و با آرامش از نمایش‌ها دیدن کردند. عجیب نیست؟ البته باید یادآور شد که جمع زیادی از خبرنگاران و منتقدان برای تماشای همزمان تئاتر و فیلم برنامه‌ریزی کرده‌اند.

افکت‌های ناخوانده کارگاه نمایش

یکی از اتفاقات جشنواره، افکت‌های پشت صحنه کارگاه نمایش هنگام اجرای دوم «اولئانا» دیوید ممت به کارگردانی علی اکبر علیزاد در روز گذشته بود. پس از پیگیری متوجه شدیم این صداهای ناخوانده از تمرین اجرای نمایش سالن‌های همسایه بوده و البته از پاشنه کفش یکی از تماشاگران محترم!

نمایشگاه ماسک در سالن انتظار اصلی تئاتر شهر

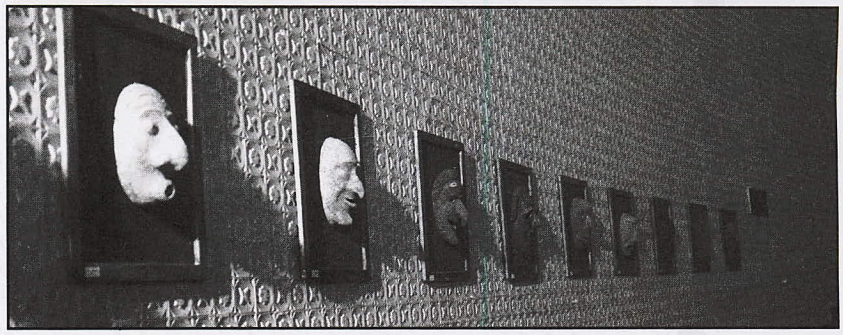

نمایشگاه ماسک علی‌اصغر خطیب‌زاده در سالن انتظار اصلی تئاتر شهر افتتاح شد. این ماسک‌ها بر اساس برخی شخصیت‌های آثار نمایشی جهان با ذهنیت خطیب‌زاده و دفرمه کردن چهره شخصیت اصلی شکل گرفته است.به گفته خطیب‌زاده در این ماسک‌ها صفات درونی آدم‌ها همچون مهربانی، خباثت، یأس و تفکر برجسته شده است. خطیب‌زاده با خمیر روزنامه (پاپیه ماشه) ذهنیت‌های خود را در قالب دهها ماسک عینیت بخشیده است. او متولد ۱۳۴۴ دامغان و فارغ‌التحصیل رشته بازیگری ـ کارگردانی است. تماشای این نمایشگاه را از دست ندهید. این هم یک تبلیغ مفت و مجانی!

یادداشت روزانه

بی‌تا ملکوتی

امان از دست بعضی از این تماشاگران تئاتر. چشم‌تان روز بد نبیند. در طول اجرای نمایش صخره‌های آبی (کار مشترک ژاپن و رومانی) غلغله‌ای بود. آن هم نمایشی که رعایت سکوت مؤلفه اصلی آن است. تماشاگران مدام تکان می‌خوردند و یا ریزریز حرف می‌زنند، حتی جماعت خبرنگار و منتقد. موبایل آقایی با صدای بلند زنگ زد و ایشان بلندتر از صدای زنگ موبایل‌اش، شروع کرد به حرف زدن. هنوز چند دقیقه از این نمایش سی و پنج دقیقه‌ای نگذشته بود که عده‌ای شروع کردند از ردیف‌های آخر و از لای جمعیت، پایین آمدن و با صدای پاشنه بلند کفش‌هایشان، سالن را ترک کردن. چراغ موبایل بغل دستی‌ام دائماً روشن و خاموش می‌شد آن هم با نوری که بخشی از جایگاه مخاطبان را روشن می‌کرد، اما وقتی نمایش تمام شد، بعضی از جماعت حتی زحمت چند ثانیه دست زدن را به خود ندادند. جای تأسف دارد.

◆◆◆

یاد پارسال و سال‌های پیش به خیر که در فاصله دو اجرا می‌آمدیم توی سالن انتظار چهارسو و یک چای یا قهوه با یک برش کیک می‌خوردیم و در مورد اجرایی که دیده بودیم با دوستان گپ می‌زدیم و با ذوق و شوق از اجراهایی که قرار بود ببینیم، حرف می‌زدیم. یاد آن روزهای جشنواره به خیر از سوز سرما و کرختی برف و گرسنگی دل، پناه می‌آوردیم به بوفه سالن اصلی و چهارسو و حتی دکه کوچک آقا اسکندر و ساندویچی کوچک گاز می‌زدیم تا برای دیدن اجراهای بعدی تا بوق شب، انرژی داشته باشیم. یاد....

نمی‌دانم از چه رو و به چه علت بوفه‌های تئاتر شهر تعطیل است آن هم در دورانی که این مکان پذیرای خیل عظیمی از دوستداران و هنرمندان تئاتر است. دیگر حتی نمی‌توانی دست‌های سردت را به میهمانی بدنه داغ یک فنجان چای دعوت کنی؛ آن هم در دوران جشنواره که بزرگترین جشنواره تئاتری کشور است و باید باشد. چه خوب که این مکان‌ها دوباره راه بیفتد.

نقدهای درگوشی

صخره‌های آبی یا راه رفتن بر صخره‌های ایرانی

– یک بازیگر معروف: حیف شد. اگر کار، سه تا صخره داشت، شاید شانس به ما رو می‌کرد و نقش صخره سوم را من بازی می‌کردم.

– قطعا گروه بازبینی، فیلم این کار را با دور تند دیده است.

– اگر قرار باشد سالن را ترک نکنیم، پس بالاخره چطور نشان دهیم که از کار خوشمان نیامده؟ (شایان ذکر است قبل از اجرا از تماشاگران خواسته شد هم موبایلشان را خاموش کنند و هم در طول اجرا سالن را ترک نکنند چرا که اجرای قبلی با وجود تایم کم، ریزش فراوانی داشت.)

– ولی خداییش ماسک‌های خوشگلی داشتند.

– کاش قسمت مشترکش با ایران، بخش گفتار کار بود.

– اگر بشود یک کار ببرم ژاپن یا رومانی، یک هفته تست می‌گیرم تا چند تا بازیگر ژاپنی یا رومانیایی پیدا کنم، برای ایفای نقش غلاف شمشیر!

امسال رییس مرکز هنرهای نمایشی، سمت دبیری جشنواره فجر را عهده‌دار نیست و این مسئولیت به حسین مسافر آستانه سپرده شده است. این گفت و گوی ما با اوست:

■ به نظر خود شما این تغییر چه نقشی در برگزاری جشنواره تئاتر دارد و در کل جشنواره امسال چه ویژگی خاصی نسبت به ۲۳ جشنواره قبل خواهد داشت؟

به نظرم دبیری جشنواره، کار پرمشغله‌ای است و بهتر است در هر دوره رئیس اداره هنرهای نمایشی کس دیگری غیر از خودش را به عنوان دبیر جشنواره انتخاب کند و البته خودش نظارت کامل داشته باشد. این امر باعث می‌شود که کارهای مربوط به جشنواره با برنامه‌ریزی منظم‌تری پیش برود، چرا که مدیرکل اداره هنرهای نمایشی درگیری‌های خاصی در کلیت تئاتر دارد و درگیری مستقیم با جشنواره حتی ممکن است باعث عقب افتادن کارهای سالیانه وی شود. در حالی که با شیوه امسال مدیر مرکز می‌تواند با دغدغه کمتری، حتی نظارت بهتری روی جشنواره داشته باشد.

من به دلیل تجاربی که در جشنواره‌های پیشین داشتم با مشکلات مربوط به جشنواره آشنا بودم. شاید اولین و مهم‌ترین مشکل این بود که ما برای هر جشنواره فراخوان می‌دادیم و متن دریافت می‌کردیم. طبعاً حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ متن ـ که البته هر سال به این تعداد افزوده می‌شد ـ به دبیرخانه جشنواره می‌آمد و ارزیابی این متون خود، حکایت‌ها و داستان‌ها به همراه داشت. نهایتاً ۱۰۰ متن مورد پذیرش قرار می‌گرفت و گروه‌ها بعد از ۳ یا ۴ ماه تمرین که آن هم مشکلات خودش را داشت برای بازبینی آماده می‌شدند. بعد از بازبینی ۳۰ تا ۳۵ نمایش پذیرفته می‌شدند، در واقع ۶۵ تا ۷۰ درصد گروه‌هایی که وقت گذاشته و تمرین کرده بودند به دلایل مختلفی نمی‌توانستند در جشنواره حضور داشته باشند. مهم‌ترین دلیل این که اصلاً جشنواره امکان حضور این تعداد کار را نداشت. اشکال دیگر مشکلاتی بود که در درازمدت ایجاد می‌شد. از جمله اینکه وقتی متنی در جشنواره به هر ترتیب پذیرفته نمی‌شد، کمتر در اولویت انتخاب گروه‌ها برای شرکت در جشنواره بعدی قرار می‌گرفت. بنابراین فاتحه یک متن خوانده می‌شد، مگر این‌که به ندرت برای شرکت در جشنواره‌های کوچک‌تر از آن متن استفاده می‌شد.

با توجه به این مشکلات ما به این نتیجه رسیدیم که باید مسئولیت تولید تئاتر را در طول سال از جشنواره خارج کنیم. یعنی مرکز هنرهای نمایشی طرح و برنامه‌ای داشته باشد و بر اساس آن در طول سال برای اجراهای سالن‌های خودش برنامه‌ریزی کند و با نوبت‌بندی اجرا، برای کارگردان‌هایی که درخواست اجرا دارند، برنامه‌ریزی کند. از طرفی جشنواره از بین تولیدات مرکز در طول سال فرصت انتخاب دارد. یعنی موفق‌ترین اجراها چه به لحاظ اقبال عمومی، چه به لحاظ هنری را انتخاب کرده، به جشنواره ارائه دهد. مزیت‌های دیگر این روش یکی این است که گروه‌هایی که در مقابل تماشاگران امتحان خود را پس داده‌اند و به تجارب بهتری دست پیدا کرده‌اند قطعاً در جشنواره از موفقیت بیشتری برخوردار خواهند شد و استرس‌ها و دغدغه‌های اولین شب اجرا را در جشنواره ندارند. دکور و لباس از قبل آماده است و با راحتی خیال بیشتری وارد جشنواره می‌شویم.

از طرف دیگر جشنواره تئاتر فجر به هر حال یک ویترین جهانی است. یعنی نگاه‌های بسیاری از گروه‌های خارجی و همین‌طور کارشناسان فستیوال‌های معتبر جهانی شاهد پخته‌ترین کارهای ما خواهند بود، نه اجراهایی دستپاچه و پراسترس.

شاید این تغییر رویه، مهم‌ترین تغییر جشنواره بیست و چهارم محسوب شود.

در فرصتی که به این شکل برای هنرمندان ایجاد می‌شود، مسئله اجرای عمومی و حضور در جشنواره تعریف شده‌تر است و لازمه عملی شدن چنین فکری، دائمی شدن دبیرخانه جشنواره است. یعنی در طول سال دبیرخانه فعال است و برای جشنواره برنامه‌ریزی دارد و می‌تواند به برنامه‌های جنبی جشنواره که لازم هم هست فکر کند.

من امیدوارم جشنواره بعدی هر چه پربارتر برگزار شود. به هر حال ربع قرن از شروع برگزاری جشنواره پشت‌سر گذاشته شده و باید چشمگیرتر و مؤثرتر باشد.

■ به نظر شما آیا با حذف داوری و جدید نبودن حدود ۵۰ درصد از اجراها، کمی از شور و حال و انگیزه اهالی تئاتر برای شرکت در جشنواره کم نمی‌شود؟

گفت و گو با «حسین مسافر آستانه» دبیر جشنواره

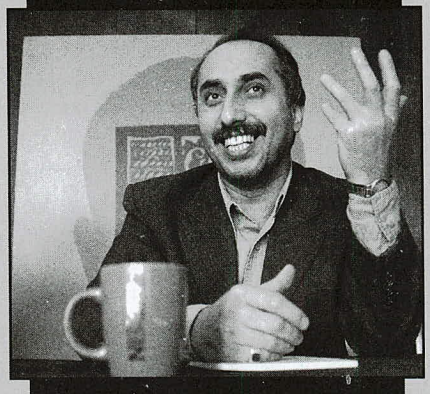

جشنواره تئاتر فجر، ویترین ما در عرصه بین‌المللی است

ما از چند زاویه به این قضیه نگاه کردیم. یکی اینکه ما جشنواره‌های متعدد تئاتر داریم که بحث رقابت در آن‌ها مطرح است و بسیاری از این گروه‌ها در این جشنواره‌ها شرکت می‌کنند. البته این نگاهی حاشیه‌ای است. دقیق‌تر که نگاه کنیم می‌بینیم که حضور در جشنواره بین‌المللی فجر حضور مغتنمی است. همان‌طور که معتبرترین جشنواره‌های دنیا غیررقابتی است و صرف حضور در آنها برای گروه‌ها باعث افتخار است.

از طرفی در بحث رقابت، معایب بسیار بزرگی وجود دارد که این در جشنواره فجر خودش را بیشتر نشان می‌دهد. داوری امری است نسبی و با وجود رعایت تمام معیارها و ضوابط علمی کافی است ترکیب داورها تغییر کند و شما شاهد نتایج دیگری باشید.

از طرفی ما با یک سری ادعاها مواجه می‌شدیم که برای خود هنرمندان مشکلاتی به همراه می‌آورد. اول شدن در جشنواره فجر، ادعاهایی بزرگ برای افراد به وجود می‌آورد که بعضاً باعث دوری این افراد از تئاتر می‌شد. اول شدن در کارگردانی و یا بازیگری و غیره به معنای اول بودن در تئاتر نیست؛ این امر، نسبی است و این نسبی بودن باید در فرهنگ ما بگنجد، اما ما برای اینکه شور و حال لازم در جشنواره کاملاً از بین نرود تا به مرور باور لازم در بین تئاتری‌ها ایجاد شود، از صنوف مختلف دعوت کردیم تا نمایندگان خودشان را برای ارزیابی کارها به ما معرفی کنند تا هیجانی که دلخواه شرکت‌کنندگان و به خصوص نسل جوان است ایجاد شود.

■ بخش پایان‌نامه‌ها از بخش‌های جدید جشنواره است. آیا این بخش در سال‌های آتی نیز تداوم دارد؟

پیوند دانشگاه با جشنواره فجر یکی از ضرورت‌هاست. بنابراین به طور رسمی باید بخشی از جشنواره را به تئاتر دانشگاهی اختصاص دهیم.

البته در این دوره به علت کمی وقت برای انتخاب کارها، امکان حضور گسترده این بخش وجود نداشت و تنها ۶ اثر به انتخاب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های هنری تهران در جشنواره شرکت دارند. امیدوارم در سال آینده این بخش تکمیل‌تر شود و ما برای دانشکده‌های تئاتری سراسر کشور سهمیه‌ای قائل شویم.

■ صحبت‌هایی مبنی بر این بود که جشنواره تئاتر خیابانی به نوعی از جشنواره تئاتر فجر جدا شود. آیا این امر تحقق می‌یابد؟

بخش تئاتر خیابانی شور و حال خاصی به جشنواره فجر می‌دهد و تجربه نشان داده که در بدترین شرایط جوی هم مورد استقبال خوبی قرار می‌گیرد. حیف است که این بخش را از جشنواره جدا کنیم. ضمن اینکه اعتقاد دارم فعالیت تئاتر خیابانی نباید منحصر به فجر باشد و امیدوارم در طول سال هم با برنامه‌ریزی درست، به صورت مستمر بتواند پیوند تئاتر و مردم را بیشتر کرده و به کار خود ادامه دهد.

■ از جشن بزرگ تئاتر چه خبر، چرا این ایده محقق نشد؟

برگزاری جشن بزرگ تئاتر فکر خیلی خوبی بود، ولی فکر مطالعه شده‌ای نبود. این ایده که ما برای جشنواره تئاتر فجر انواع و گونه‌های مختلف تئاتری داشته باشیم، هم خوب بود و هم بد. خوب به این لحاظ که هم شاهد کارهای عروسکی بودیم، هم سنتی و هم کودک و در یک شور و شوق، اهالی مختلف تئاتر به تجاربی مشترک می‌رسیدند، اما متأسفانه امکانات و زمان لازم را در اختیار نداشتیم.

در واقع ما نیاز به یک جشن بزرگ تئاتر داریم ـ مثل آوینیون ـ که انواع مختلف تئاتر از ایران و کشورهای دیگر در آن حضور پیدا کنند ـ البته در زمانی بیشتر ـ و بتواند تمام امکانات شهر را به خودش اختصاص دهد. به شرطی که نهادها و ارگان‌های فرهنگی دیگر نیز خودشان را مسئول بدانند.

■ پیش‌بینی شما برای برگزاری جشنواره بیست و پنجم از نظر اجرایی چیست؟

متأسفانه از الآن برای سال بعد نمی‌توان برنامه‌ریزی کلی داشت، چرا که ما الان نه از بودجه سال ۸۵ اطلاعی داریم و نه اینکه می‌دانیم برای ترمیم امکانات موجود اقدامی صورت می‌گیرد یا نه. آیا باید بر اساس همین امکانات محدودی که هر سال برنامه‌ریزی می‌شد به طرح و برنامه پرداخت یا اینکه بودجه و امکانات تغییر خواهد کرد. فکر می‌کنم این به طور کلی به تصمیم‌گیری‌های دولت برمی‌گردد و البته به دیگر نهادهای فرهنگی کشور به ویژه شهرداری. اگر بودجه تئاتر و امکاناتی که در اختیار نهادهای مختلف است یک کاسه شود شاید بتوان برای تئاتر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تری کرد.

براساس فیلمنامه‌ای به همین نام از «فدریکو فلینی»
نویسنده: جرالد تئو بالتز
کارگردان: علیرضا کوشک جلالی
بازیگران: رناته دیزل، دادا استیو رمان، جولیان لدوویچ، هانس کی‌سی‌یر، ولکر لیپمان.
گروه تئاتر: تیف - روت (کلن آلمان)

برای فیلم «جاده» که بسان افسانه‌ای است شعرگونه، سراپا لطافت و واقعیت‌های خشن روزمره زندگی، فلینی چندین جایزه بین‌المللی از جمله «اسکار» و «شیر نقره‌ای» را دریافت کرد.

خلاصه داستان

«زامپانو» با «زنجیر پاره کردن» و دلقک‌بازی در جاده‌های ایتالیا امرار معاش می‌کند. او پس از مرگ روزا احتیاج به دستیار دیگری دارد و «جلسومینا» را به قیمت نازلی می‌خرد. اما با این دختر ساده و دوست داشتنی مثل یک برده رفتار می‌کند. این زن نیز شجاعت ندارد تا خود را از دست این غول نجات دهد. زمانی که جلسومینا با بندبازی به نام «موتو» آشنا می‌شود، برای اولین بار به معنای محبت و احترام پی می‌برد.زامپانو در یک درگیری موتو را می‌کشد و جلسومینای اندوهگین را کنار جاده رها می‌کند. چند سال بعد متوجه می‌شود که جلسومینا مرده است. در اینجاست که زامپانو متوجه می‌شود چقدر از نظر احساسی وابسته به این زن بوده به گونه‌ای که فقدان این زن به کلی او را از پا می‌اندازد.

حرف های کارگردان درباره نمایش

جاده فلینی را گروه ما برای اولین بار در جهان به صورت تئاتر اجرا کرد. در ابتدا بسیار بعید به نظر می‌رسد که کسی بتواند این فیلم برجسته را که یک غول سینما (فدریکو فلینی) آن را کارگردانی کرده، به صورت صحنه‌ای به اجرا در بیاورد، اما پس از اولین اجرا تمام مطبوعات از آن تمجید کردند و حتی تیتر روزنامه‌ای چنین بود «زمانی که اجرای صحنه‌ای جاده به دیدن خود فیلم ترجیح می‌یابد.»

بخشی از یک گفت‌وگو با علیرضا کوشک جلالی

■ چرا جاده را برای اجرای صحنه‌ای انتخاب کردید؟

از نظر من فیلم جاده یکی از ۱۰ فیلم برتر تاریخ سینماست. من در هر مقطع سنی که این فیلم را دیدم، برداشتی تازه از آن داشتم. فلینی در این اثر برجسته افسانه‌ای شاعرانه برای ما نقل می‌کند. قصه جاده کهنه نشده و نظایر آن را ما هر روز در اطرافمان می‌بینیم. زن و مردی ظاهرا با هم زندگی می‌کنند و به هم نزدیک هستند، اما از نظر درونی بینشان فاصله‌های نوری است. از هم دورند و زبان همدیگر را نمی‌فهمند و مثل دو خط موازی هستند. هرچه تلاش می‌کنند به هم نمی‌رسند و به همین علت دره‌ای عمیق و ترسناک بینشان ایجاد می‌شود اما آیا این یک قصه قدیمی است؟ خیر. بسیار آنتیک و مدرن است. علاوه بر این جاده از وابستگی‌های درونی، عشق پنهان، فقر و اینکه زندگی علی‌رغم تمام این بدبختی‌ها هم می‌تواند زیبا باشد، حرف می‌زند. غیر از خود قصه چه کسی قادر است بازی زیبای آنتونی کویین و ظرافت بازی بی‌نظیر جولیتا ماسینا را فراموش کند. نظیر این بازی را من کمتر در سینما دیده‌ام. ماسینا قادر بود تمام حالات درونی (شادی، غم، امید، حسرت، سرخوردگی و...) را با میمیک و چشمانش به صورتی جادویی بیان کند. با بازی او جاده شعری می‌شود که احساسات و روح زن را در جاده سخت و مرموز زندگی به تصویر می‌کشد. در ضمن من چند سال پس فیلم مشهور «ترس خوره روح است» اثر «فاسبیندر» را به صحنه بردم که به عنوان بهترین کار ماه نوامبر انتخاب شد و این مساله جرأت بیشتری به من داد که این بار به سراغ یکی از غول‌های سینما بروم.

■ جاده فیلمی درباره حسرت‌ها، تضادها، رویاها و... است، آیا شما در اجرای صحنه‌ای بر این نکات تاکید کردید؟

اتفاقا بیان همین مسائل به صورت نمایشی بود که نظر بیشتر منتقدان را به خود جلب کرد. اگر شما بخواهید فیلمی را که در ذهن بیشتر مردم به خوبی نقش بسته است به صحنه ببرید، باید پیه خیلی از مسائل را به تنتان بمالید. ممکن است مضحکه منتقدان شوید، آن هم منتقدان آلمانی که با هیچ کس حتی شخص اول مملکتشان شوخی نمی‌کنند. ببینید به عنوان یک ایرانی در صحنه تئاتر آلمان کار کردن آسان نیست. وقتی من اعلام کردم می‌خواهم جاده را کار کنم حساسیت‌ها دوبرابر شد. اما پس از ۲۰ سال کار در این جامعه بالاخره با سختی پذیرفتند که یک ایرانی هم می‌تواند هم‌سطح خودشان عمل کند. اکثر نقدها با این جمله شروع می‌شد که یک ایرانی چطور شهامت این را داشته که به سراغ این کار عظیم برود. اما همگی زبان به تمجید از این اجرا گشودند. تیتر روزنامه (کلنر استت آنزیگر) چنین بود: «زمانی که اجرای صحنه‌ای جاده به دیدن خود فیلم ترجیح می‌یابد.»

شیطان با سه شاخه موی طلایی

محصول کشور: آلمان
نام گروه: تئاتر در مارین‌باد
دستیار کارگردان: سونجا کرادزا
طراح لباس: مارگریت لوییس اشنایدر
بازیگران: دیتر نیکولاس کلن، کرستن تراستادت، هنریک میشل اسپاگل، رناته اوبرمیر پولمن، دایل موهر، کریستوف فردریش لوکاس مولر، هورست هرمن ژوزف گبنر، نادینه ایوانه ورنر، هابرت گاستاو فهرنباخر، گلاسمر میشل آندریا
مدت نمایش: ۱۵۰ دقیقه

خلاصه داستان

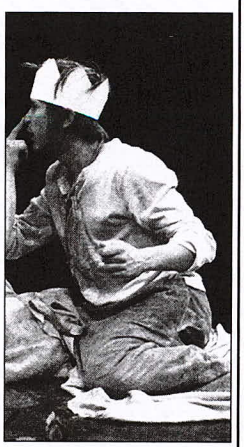

یک کارگر مزرعه خودش را مانند شیطان می‌پندارد. وقتی کسی چیزی جز زندگی سخت و مشقت بار برای از دست دادن ندارد، دیگر نه از پادشاه و نه از مرگ نمی‌ترسد. مادر این شیطان به کارگر مزرعه داستان یک زندگی دوم مخاطره‌انگیز می‌دهد. او خودش را در اسارت سربازان می‌بیند که با تندی با او رفتار می‌کنند. او به طور اتفاقی به خانه دزدان خطرناکی می‌رسد و بالاخره به مجلس عروسی خودش می‌رسد و با دختر پادشاه ازدواج می‌کند. اما پادشاه چنین نمی‌خواهد! پادشاه دامادش را از عشق شاهزاده بازداشته و به جهنم می‌اندازد، آنجا او با مشکلات بیشتری روبه‌رو شده و با شیطانی که دماغ دراز دارد آشنا می‌شود.

نقد

«شیطان با سه شاخه موی طلایی» یکی از بهترین نمونه‌های اجرای صحنه‌ای داستان‌های پریان است که در قالب اثری خلاق به صحنه رفته است. این خلاقیت مدیون «فردریش کارل واچر» نویسنده اثر و «دیتر کومل» کارگردان آن است.

این نمایش یکی از بهترین اجراهای جشنواره تئاتر کودک آلمان بود. تولید دیتر کومل کاری است قابل قبول، کاری که توانسته است در نهایت فضای زندگی قرون وسطایی را با زبان طنز به صحنه ببرد.

تماشاگران این اثر شاهد تئاتری هستند که در آن مبارزه‌های عجیب و غریب برای بقای زندگی در قالب قصه‌های پریان به تصویر کشیده شده‌اند.

«شیطان با سه شاخه موی طلایی» بدون اینکه به ورطه نگاه ایدئولوژیک بیفتد، خوبی و بدی را به نمایش می‌گذارد.

اوریک بوخمان در مورگان

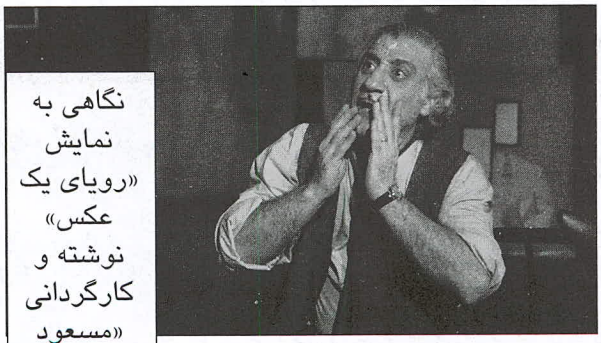

نگاهی به نمایش «رویای یک عکس» نوشته و کارگردانی «مسعود رایگان»

قصه پرغصه مهاجرت

سید محمد میر کمالی

رخت بربستن آدم‌ها از زاد و بوم و دیار خود و راهی ناکجاآبادها شدن، قصه پرغصه‌ای است که تمامی ندارد. این قصه شنیدنی و جهانی و جهانگیر شده، بخش اعظمی از آثار ادبی و نمایشی کلاسیک و معاصر را تشکیل می‌دهد و در آثار مکتوب ملل و نحل، ردپایی از تلخی‌های به ظاهر شیرین مهاجرت نیز به چشم می‌خورد.

«مسعود رایگان» دانش آموخته دانشکده دراماتیک (همان دانشکده‌ای که در سه راه آبسردار، ده‌ها هنرمند نامدار پرورد و اکنون، دیگر نشانی از آن مکان باقی نمانده است) چند سال پس از انقلاب، راهی سوئد شد؛ کشور سردی و سرما، کشور فرو رفته در تاریکی‌های مداوم، تکه یخ زده دنیا در اسکاندیناوی. اگرچه، ناکجاآباد سوئد، سرد و تاریک بود، اما این هنرمند با خود گرمای تئاترو عشق جوشان یک «رمئو» به یک «ژولیت» را به همراه داشت و از شرارت‌های شرربار آدم‌هایی که مانند نمایشنامه «مکبث» شرور بودند، نهراسید و چون «هملت» پایداری کرد و سختی‌ها را به جان خرید و به برکت پرنعمت عشق به تئاتر (این هنر والای دیرینه و ماندگار) بازیگر شناخته شده و رسمی آن دیار شد، ولی مگر توانست یا مگر می‌توانست در آن دیار سردی و سرما، تاب بیاورد؟!

مسعود رایگان، تلخی‌های دیدنی و شنیدنی مهاجرت خود را در سال‌هایی که به وطن بازگشته، بازگو کرده است (چه با بازی در فیلم‌های شبه‌مستند و چه با بازی در فیلم‌های سینمایی) و این بار، با نگاهی به نمایشنامه‌ای از «آتول فوگارد» متن «رویای یک عکس» را نوشته و با همراهی همسر هنرمندش (رویا تیموریان)، فرهاد شریفی، داریوش فائزی و حسین کشفی اصل به صحنه تئاتر عرضه کرده است.

البته معمولا تجربه جهانی حاکی از آن است که اصولاً بازیگران تئاتر و سینما، نتوانسته‌اند اثر قابل قبولی را کارگردانی کنند و دغدغه پوشیدن لباس کارگردانی، هوسی گذرا بیش نبوده است و نهایت این‌که کارگردانی، دنیای خاص خودش را دارد و...

«رویای یک عکس» با موسیقی دلنشینی آغاز می‌شود و با روایت عکاس حاضر در صحنه (مسعود رایگان) ادامه می‌یابد و روایت‌های انفرادی بازیگران (تک‌گویی بدون برقراری دیالوگ) نمایش را از ارتباط حسی و منطقی با تماشاگر بازمی‌دارد و سرانجام، نقطه‌ای که انتظار می‌رفت به عنوان نقطه ضعف رایگان محسوب شود، عملی شد و او از طراحی اصولی نمایش بازماند و نتوانست ارتباط ساختاری لازم را در اندام این نمایش، برقرار سازد.

مسعود رایگان، بازیگر ماهری است که در این نمایش نیز، مهارت و جست و خیزش در صحنه چشمگیر است و انرژی متراکم بازیگری را در وجودش می‌توان به عینه، مشاهده و لمس کرد، اما ای کاش، برای آزمودن میزان کارگردانی‌اش، به سراغ متن نمایشی دیگری (به غیر از نوشته خود) می‌رفت تا شاید موفق‌تر جلوه می‌کرد.

نمایش «رویای یک عکس» از جاذبه‌هایی نیز برخوردار است که البته نمی‌توان نادیده گرفت و آن، موسیقی آغازین و پایانی نمایش است و دیگر، حالت خاص بازیگران در لحظات خداحافظی با تماشاگران.غصه‌های قصه مهاجرت مسعود رایگان در این نمایش گویای این نکته عمیق است که او دارای تجارب گران و ارزشمندی در هنر تئاتر است و با اندکی هنرمندی، می‌توان از این تجارب برای ارتقای دانش تئاتری کشور، بهره جست.امید است با فراهم شدن شرایط مناسب، نمایشی که بیانگر توانایی‌های پنهان مانده این هنرمند باشد، به صحنه تئاتر آید و حاصل تلاش او را طی سال‌های مهاجرت عرضه کند.

تجربه‌گرایی یک باتجربه

نگاهی به نمایش «رومئو و ژولیت» اثر ویلیام شکسپیر به کارگردانی «حسین فرخی»

رامین فناییان

حسین فرخی که سال گذشته نیز اجرای مکبث از آثار شکسپیر را بر صحنه داشت، این بار نیز در نمایش رومئو و ژولیت به اجرای عین به عین متن شکسپیر تن نداده و به منظور نمایشی کردن این متن برای تماشاگر امروزی لازم دانسته آن را تغییر دهد و بازنویسی کند و افکار، اندیشه‌ها و تحلیل خود را نیز به عنوان کارگردان به آن بیفزاید.

در عین حال او از برخی عبارت‌ها و تمثیل‌های ادبی خاص زبان شکسپیر، بدون هیچگونه تغییری در جای‌جای نمایش استفاده کرده است که تماشاگر آشنا با این زبان به راحتی این عبارت‌های بی‌مانند و فلسفی و عمیق را در متن شناسایی می‌کند و تشخیص می‌دهد. اما رومئو و ژولیت همانند دیگر نمایشنامه‌های جاودان خالقش، آن‌قدر عمیق و منسجم هست که به راحتی اجازه هر تحلیل و اجرای نو و جدید را به کارگردان نمی‌دهد، مگر اینکه این برداشت نو دقیقا همسو با مضمون و درون‌مایه اصلی اثر باشد.

ورود کمدی به تراژدی و ادامه و تاکید بر آن در رومئو و ژولیت شائبه نزدیک شدن به پارودی (نقیضه) را در تماشاگر ایجاد می‌کند. در واقع در اجرای این نمایش، تماشاگر با دو زبان روبه‌رو است: زبان فخیم شاعرانه و پر از استعاره و تمثیل شکسپیر که وجه تراژیک نمایش را منتقل می‌کند (این زبان در جمله‌های عاشقانه رومئو و ژولیت در هنگام شب زیر پنجره عینیت بیشتری پیدا کرده است) و زبان کمدی و شوخ امروزین حسین فرخی که سعی دارد با استفاده از طنز و مطایبه فضایی مفرح در بطن تراژدی هولناک اثر باز کند و بدین ترتیب بر مخاطب تاثیر بیشتری بگذارد (این زبان نیز در صحنه بازی ژولیت و درگیری لفظی با رومئو و سپس مشاجره و مسخره کردن خانواده‌های همدیگر – مونتاگو و کاپولت — نمود بیشتری دارد) این دوگانگی‌ها از نوع نگرش و جهان‌بینی متفاوت نویسنده و کارگردان نشأت می‌گیرد که هرچند در این نمایش دیده می‌شود اما می‌توانست با تلفیقی هنرمندانه و همسو با درون‌مایه اصلی (عشق تراژیک) تماشاگر را با اثری نو و مدرن بر مبنای اثر جاودان شکسپیر مواجه سازد.

اما آثار صحنه‌ای حسین فرخی ویژگی‌هایی دارند که به ویژه در خصوص «رومئو و ژولیت» از نکات برجسته اجرایی محسوب می‌شود. ایده اجرا هنرمندانه است: رومئو و ژولیت، نشسته بر تابوت خود، از بی‌گناهی و قربانی شدن عشق می‌گویند. این شکل اجرایی با شروع و پایانی جذاب و روانی در روایت، حکایت از تسلط فرخی بر کلیت اجرا دارد. دکور صحنه از درهای دولنگه‌ای در سمت راست و چپ و وسط تشکیل شده که پنجره‌هایی نیز در بالا (بالکن) و طرفین دارد و پله‌هایی که به تابوت ختم می‌شوند! رنگ تیره به کار رفته در دکور و وجود دو تابوت در صحنه با درون‌مایه تراژیک اثر به خوبی مطابقت دارد. استفاده از رنگ‌های شاد در طراحی لباس و اشیایی همچون گلدان روی بالکن، نوار قرمز رنگی که از خانه رومئو تا خانه ژولیت امتداد دارد (به نشانه متصل بودن عشق میان آن دو) و پارچه سفیدی که دو سویش در دست‌های آنهاست (به نشانه پاکی این عشق)، از موارد استفاده فرخی از عناصر نمایشی به کار رفته در اثر است که در این دکور تیره، گویای شور و اشتیاق و عشق میان دو شخصیت اثر است. میزانسن‌های فرخی نیز از موارد مثال‌زدنی هستند، به ویژه در استفاده از پنج در موجود در صحنه و پله‌ها که با افزودن بر تحرک و پویایی صحنه از ملال و خستگی تماشاگر جلوگیری می‌کنند. البته مکمل میزانسن‌های خوب فرخی نیز بازی یکدست و روان نورالدین جوادیان و به ویژه آشا محرابی است که خصوصا در برخی صحنه‌های حسی بازی قابل قبولی ارایه می‌دهد.

نگاهی به نمایش «شاباش» نوشته و کار هشام کفارنه

نمایش خرده فرهنگ‌های سوریه

علی اکبر باقری ارومی

تعامل فرهنگی میان ملت‌هایی که دارای فرهنگ مشترک هستند بر زیبایی اندیشه انسان می‌افزاید و اندیشه را در سیری والا به سیلان درمی‌آورد. زیبایی فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های ملل اسلامی که در نقاط مختلف خاورمیانه پراکنده شده‌اند به همین علت است.

در نمایش شاباش کاری که از تئاتر ملی سوریه به مهمانی تئاتر فجر آمده است این خرده‌فرهنگ به نحو احسن جلوه پیدا می‌کند؛ خصوصاً اینکه گروه تئاتر ملی به تئاتر نو، کاملاً آشنا بوده و تئاتر مدرن و پست مدرن را به خوبی می‌شناسد و به کاربردهای آن نیز آشنایی خوبی دارد. در واقع محور این نمایش زن و سرنوشت جهانی اوست که همواره به عنوان یک موضوع و معضل بشری مطرح است.

دکور صحنه کاملاً نماد همین مساله است؛ زنی به صلیب کشیده شده که می‌تواند نماد حضرت مریم، مظهر پاکی و عفاف باشد و چاهی هم که در گوشه‌ای دیگر از صحنه تعبیه شده تأکید مضاعف بر همان پاکی است. موضوع نیز تهمتی است که به حضرت مریم زدند. در مورد زنان همواره از حربه تهمت استفاده کرده و می‌کنند اما در آخر نمایش پاکدامنی زن ثابت می‌شود و همه بر این موضوع اذعان می‌کنند.

بدیهی است نمایش مزبور با توجه به حساسیت‌های موجود در منطقه نسبت به تهمت‌های سیاسی‌ای که به دولت سوریه مبنی بر دست داشتن در ترور رفیق حریری در جریان است، تبلیغات سیاسی نیز محسوب می‌شود. در واقع، گویی در این نمایش از سمبل یک ملت نفی تهمت می‌شود و آنچه در نظر است مام میهن سوریه است که باید پرورانند فرزندانی آزاد، بی‌ریا و در عین حال غیرتمند باشد و این در نمایشی که دیدیم به وضوح به چشم می‌خورد.

به هر حال نباید این را از یاد برد که دو ملت مصر و سوریه در خاورمیانه واقع شده‌اند که در زمینه تئاتر و سینما پیشرو ملل عرب زبان هستند. این موضوع را می‌توان در فیلم‌ها و نمایش‌های این دو ملل مسلمان عرب و سابقه روشن آنها در این زمینه سراغ گرفت. هنوز یادمان نرفته است مرحوم مصطفی عقاد و فیلم به یاد ماندنی محمد رسول‌الله (ص) وی را و هنوز نام ادیبان، نمایش‌نامه‌نویس شهیر مصر را به یاد داریم و به خصوص هنگامی که در این نمایش از بازیگر فیلم بازمانده جیاناعید تجلیل می‌شود، این امر لزوم بیشتری می‌یابد که ما در این تعامل بیشتر فعالیت کرده و آن را گسترش دهیم.

فرمان اول: من خدا هستم، پروردگار شما.

در ویلای بزرگ و مجلل یک خانواده مرفه، در خارج از شهر، پدر خانواده، فرزندان را فراخوانده است تا در مورد مرگ یا ادامه زندگی مادرشان که تنها توسط دستگاه تنفس می‌کند، تصمیم بگیرند.

فرمان دوم: خدایان دیگر را عبادت منما

هر کدام از بچه‌های این خانواده به اصطلاح آریستوکرات، دچار مشکل خاص خودشان هستند. پسر کوچک (اسفند) پارانوئیای شدید دارد و قادر به دیدن و درک چیزهایی است که دیگران از آن عاجزند. دختر کوچک خانواده (پریسا) نیز از دانشگاه اخراج شده، زیرا عاشق دختر دیگری بوده و می‌خواسته با کارد نامزد دختر را سلاخی کند.

فرمان سوم: روز سبت را یاد کن

سرانجام همه اعضای خانواده دور هم جمع می‌شوند.

فرمان چهارم: پدر و مادر خود را احترام نما!

پریسا عاشق مادرش است، در نتیجه راضی نمی‌شود تا اکسیژن او را قطع کنند و از این رنج رهایی یابد. پریسا از پدر خود بیزار است زیرا او را خیانتکار می‌داند.

فرمان پنجم: قتل مکن!

دختر بزرگ خانواده شوهر خیانتکارش را کشته، همین‌طور کودکش را و مدتی است که کسی از او خبر ندارد. او یک فراری است.

فرمان ششم: زنا مکن!

دختر بزرگ خانواده اقدام به خودفروشی می‌کند، زیرا می‌خواهد از مردها بپرسد چرا به زن‌های خود خیانت می‌کنند.

فرمان هفتم: به همسایه خود شهادت دروغ مده!

چموش، خدمتکار و باغبان پیر ویلا، انگار با گفتن دروغ قصد پنهان کردن رازی را دارد. ظاهرا او همدست کسی است که جسد قربانیانش را به آنجا می‌آورد تا در باغ پشتی، پنهانی دفن کند. این شخص می‌تواند دختر بزرگ خانواده باشد.

نادر برهانی مرند در نمایش «زیر بال فرشتگان»، شخصیت‌های خود را چیده است. او قصد داشته تمام بدبختی‌ها، سیاهی‌ها و نفرین‌های زمینی و آسمانی را یک جا جمع کند تا مبادا کورسوی امیدی باقی بماند. در نتیجه نمایش برشی از زندگی نیست بلکه نمایشی از پیش تعیین شده است. در خانواده داستان «زیر بال...» همه، تبهکارند. همه ناامیدند. همه سیاهند. پدر قمارباز و زناره، مادر خانواده را در یک قمار به دست آورده و حالا هم می‌خواهد هرچه زودتر از شر او خلاص شود. دختر بزرگ خانواده‌اش را به قتل رسانده، دختر کوچک درگیر یک عشق نامتعارف، نافرجام و شوم بوده، پسر بزرگ خانواده از جبهه و جنگ، یادگاری‌ای به همراه نیاورده و تنها رانندگی در جاده را بلد است، آن هم به قصد خودکشی. پسر کوچک خانواده از تمام تحصیل و دانش سهمی نبرده الا پریشانی روانی و مریضی روحی و جسمی و دارد می‌میرد. باغ پر از جسد است. دیالوگ بین آدم‌های نمایش پر از فحش و ناسزا است.

خانواده چنان در تباهی فرورفته که شاید جایی برای یک ارتباط انسانی نیست. تنها یک مرگ، آن هم مرگ عزیزترین فرد خانواده یعنی مادر می‌تواند احساسات انسانی آنها را بیدار کند. ارسلان هدیه‌ای برای پریسا آورده، تاریخ تولد پریسا را اسفند به یاد ارسلان آورده، ارسلان کتش را روی برادر می‌اندازد و سرانجام خواهر دست نوازشی بر سر برادر بیمار خود می‌کشد. خواهر بزرگ می‌آید اما دیر می‌آید، مثل همیشه. زمانی که فرشته سیاهپوش مرگ پشت پیانو پوسیده خانه مجلل اشرافی نشسته و قطعه مرگ می‌نوازد.

برهانی مرند در آثار پیشین خود نشان داده به روایت‌های پررنگ، شخصیت‌های ملموس با گذشته‌ای پرفراز نشیب و فضاهای رئالیستی علاقه فراوان دارد. اما در

نگاهی به نمایش «زیر بال فرشتگان» نوشته و کارگردانی نادر برهانی مرند

زیر پای شیاطین

بیتا ملکوتی

نمایش «زیر بال...» می‌خواهد شاعرانگی را نیز اضافه کند. شخصیت‌ها نیز بیشتر نمادین هستند و اطلاعات مستقیم داده می‌شود. او خشونت را نیز چاشنی روابط و فضا کرده است. صحنه آرایی و طراحی اجرایش هم بیشتر به سمت فضاهای نمادین و فراواقعی می‌رود (مصداقش هم برفی است که دورتادور صحنه را پوشانده) و تمام این‌ها، تغییر استراتژی او نسبت به آثار پیشینش است. اما به زعم نگارنده موفقیت آثار پیشین او را ندارد.

به تمام این‌ها، نوع و سبک بازی بازیگرانش را هم اضافه کنید که عجیب ناهماهنگ است. اما نمی‌توان به راحتی از بازی درخشان هومن برق‌نورد و ایده اجرایی روایت‌مداری (مونتاژ موازی) در پیش بردن دو داستان (در ویلا و در ماشین مرد غریبه) و خلق لحظاتی تغزلی و تاثیرگذار در بخش‌هایی از نمایش، گذشت. مخصوصا هومن برق‌نورد که در تجسم بخشیدن به شخصیت شاعرمسلک و خاص اسفند و لحظاتی بین رویا و واقعیت در کلیت اثر، نقش بسزایی دارد. زیرا وقتی فرشته را می‌بینند، باورش می‌کنیم و همراهش می‌شویم.

گزارشی از افتتاحیه جشنواره بیس

رنگین کمان ز

لب‌های خندان از یکدیگر می‌پرسند: چه خبر است؟

تهران که همیشه در آن بوق ماشین‌ها و صدای سوت پلیس‌ها و به هم خوردن ماشین‌ها گوش‌ها را کر می‌کنند و آنچه چشم‌ها را آزار می‌دهد ازدحام پیاده‌روها و ترافیک خیابان‌هاست، حال در یک ازدحام شاد و رنگارنگ فرورفته است. ما تهرانی‌ها که از داشتن رنگین‌کمان آسمانی در آسمان سیاه و دودگرفته‌مان محرومیم، حالا رنگین‌کمانی زمینی را در خط ویژه اتوبوس‌ها شاهدیم. گروه‌هایی چند از شهرهای متفاوت کشورمان، لرستان، کردستان، خراسان و... گرد هم آمده‌اند.

یک گروه تعزیه از تهران. سبزپوش‌ها و سرخ‌پوش‌ها. شمر میکروفون به دست رجز می‌خواند و امام پوش با هیبت در لباس سفید و سبز، چشم‌ها را نوازش می‌دهد. در کنارش زنی از اهل بیت در لباس سراسر سیاه با سربندی سبز چشم‌ها را همراه می‌کند، البته مردی زن پوش.

پس از آن‌ها می‌توان گروهی از کردستان را دید. ماشینی که در پشت آن پرده نقالی به پا شده است و پرده‌خوانی در کنار آن ایستاده و داستانی را برای مردم کوچه و خیابان روایت می‌کند. ده‌ها نفر در

م

ینی!

شراره پورخراسانی

لباس محلی کردی شانه به شانه ایستاده و دست‌ها را درهم زنجیر کرده‌اند و چه نظمی در میانشان حاکم است و در تمامی طول راه این سوال را برمی‌انگیزند که چرا پایکوبی کردی شروع نمی‌شود!؟ این چرا تا ایستگاه آخر با ماست. اما ایستگاه آخر مراسم زیبای پایکوبی توسط آنها فضای سرد تئاتر شهر را گرما می‌بخشد.

گروه تهران بر یک تریلی! یک تریلی که کف آن به زیبایی تزیین شده است. خانه‌ای که ساکنان آن کودکانی رنگارنگ و شادند و با مردم از هر قشر به زیبایی ارتباط برقرار می‌کنند.

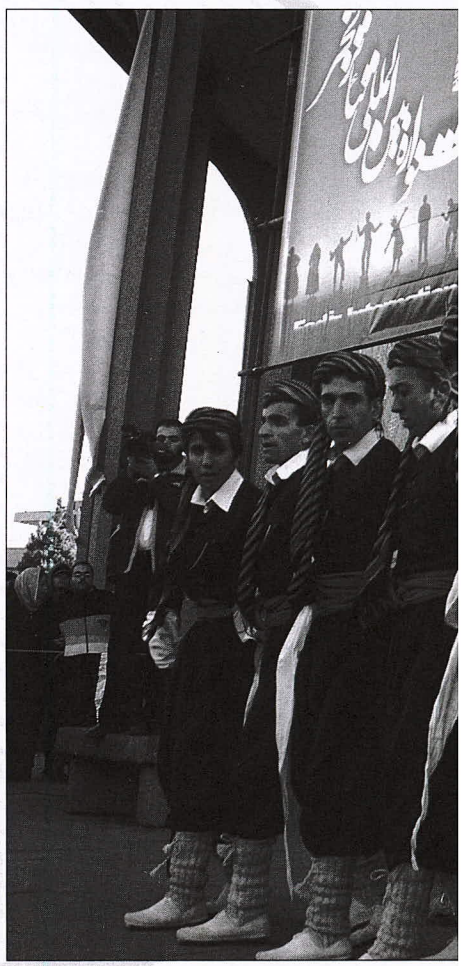

کسی تابلویی را حمل می‌کند که بر آن این جمله حک شده است: کوچه شهید مفقودالاثر یوسف یعقوب.

یک گاری! یک گاری که مردان و زنانی را در لباس‌های محلی حمل می‌کند و در پس آن گروهی پایکوبی می‌کنند و مراسم کاشت و برداشت را به تصویر می‌کشند و در میانشان شخصیتی به چشم می‌خورد که لباس سیاه و سرخ به تن دارد، مانند یک شیطان.

جنوبیان می‌آیند با یک گاری زیبا که گروه موسیقی جنوب را دمام‌زنان حمل می‌کند. گروهی از جوانان در لباس‌های سفید ملوانی ظاهر می‌شوند و رقص آیینی ماهیگیران را اجرا می‌کنند. ماهیگیرانی که تور می‌اندازند، آواز می‌خوانند و تورهای خود را به امید صیدی افزون‌تر از آب می‌گیرند.

خراسانی‌ها می‌آیند! آنها لباس‌های محلی سفیدی به تن دارند با دامن‌هایی بلند که با هر چرخش چون چتری سفید باز شده و فضا را زینت می‌بخشند. در گاری آنها مردی با لباس نظامی نشسته است و در پشت گاری افراد پایکوبی می‌کنند و در میانشان دیوی سبزرنگ به چشم می‌خورد.

آنچه در میان تمامی این گروه‌ها مشترک است وجود خیر و شرهایی است که با هم مقابله می‌کنند. موجودات شر در اشکالی مختلف چون دیو، گرگ یا جن سیاه و سرخ پوش ظاهر می‌شوند.

کارناوال به فضای تئاتر شهر می‌رسد، فضایی که با صندلی‌های سرخ‌رنگ آماده شده است و حال هر گروه به ترتیب از میان خیل جمعیت گذر کرده و در برابر جایگاه حضار برنامه خود را به پایان می‌رساند.

برنامه افتتاحیه با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم آغاز می‌شود و پس از آن مارش نظامی و سرود ملی جمهوری اسلامی فضا را پر می‌کند.

اردشیر صالح‌پور در جایگاه حاضر شده و بیانات خود را با شعری در وصف حضرت علی (ع) و عید غدیرخم آغاز می‌کند. او از شعار امسال تئاتر می‌گوید: جمله کوتاه «تئاتر برای همه».

پس از او حسین مسافر آستانه، دبیر بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به جایگاه می‌آید و سخنانش را این‌طور آغاز می‌کند: فجر بر فجرآفرینان مبارک باد. همگی شما از گوشه و کنار کشور آمده‌اید و زحمات فراوانی متحمل شده‌اید تا ما را با گونه‌های تئاتری آشنا سازید. شاخصه‌های فرهنگی باید سرلوحه‌های امور باشند. جشنواره امسال با شور و حال وصف‌ناشدنی خود آغاز شد و امید داریم به انجامی پرشور نیز برسد. از کشورهای دیگر نیز که در جشن بزرگداشت پیروزی انقلاب شکوهمند ما حاضر شده‌اند قدردانی فراوانی به عمل می‌آوریم. کشورهایی چون روسیه، ژاپن، رومانی، آلمان، کرواسی، هلند، اسپانیا، روسیه، سوییس، صربستان، فرانسه، مجارستان، ترکمنستان، اسلوونی و نخجوان.

پس از مسافر آستانه، صالح‌پور از شورآفرینی هنرمندان در کاروان نمایشی قدردانی می‌کند.

سپس پیام رییس مجلس شورای اسلامی توسط محمدرضا ایمانی خوشخو، معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط حسین پارسایی، رییس مرکز هنرهای نمایشی قرائت می‌شود.

حالا جشنواره بیست‌وچهارم آغاز شده است.

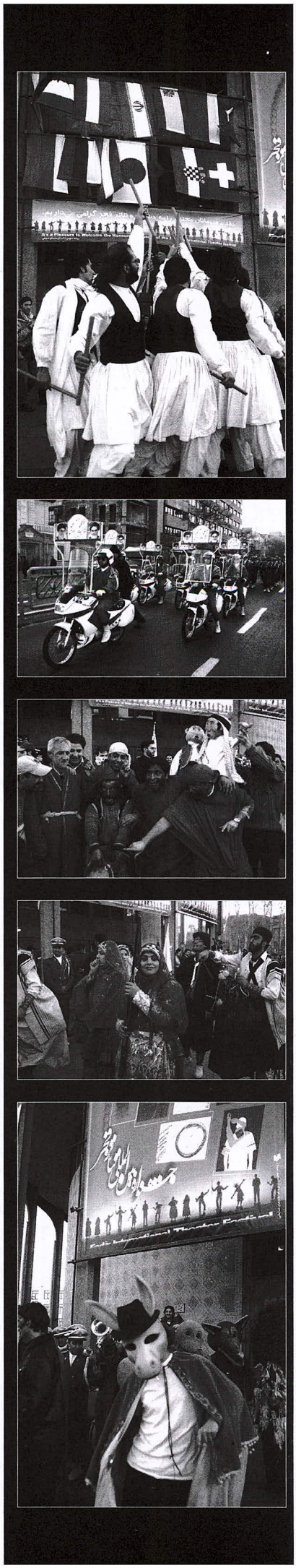

گفت و گو با چهل امیرانی
کارگردان نمایش خانه دوست

سوژه‌های ناب

ابوذر چهل امیرانی، نویسنده و کارگردان نمایش‌های «خانه دوست» و «دست از سرم بردار» درباره نمایش خیابانی می‌گوید: نمایش خیابانی به تصور من دانشگاه بزرگ بازیگری است که می‌تواند استرس‌ها و فشارها را از بازیگر دور کند. سوژه‌های نابی در نمایش خیابانی وجود دارد که ما آنها را می‌بینیم، احساس می‌کنیم و همان را برای مردم اجرا می‌کنیم. بیشتر موضوعات نمایش خیابانی مسائل و مشکلات همین مردم است. به نظر من در نمایش خیابانی بازیگر پخته می‌شود، چرا که با تماشاگر رودررو است. نمایش خیابانی کاملاً بی‌واسطه با تماشاگر ارتباط برقرار می‌کند و تماشاگر ناخواسته وارد اجرای نمایش می‌شود. تماشاگر نمایش خیابانی از تمام اقشار و طبقات جامعه است، بنابراین راضی کردن هر کدام از مخاطبان نیاز به قدرت تأثیرگذاری زیادی از سوی بازیگر نمایش خیابانی دارد. کارگردان نمایش برگزیده هیأت داوران و تماشاگران یازدهمین جشنواره تئاتر خیابانی دفاع مقدس درباره تفاوت تئاتر صحنه‌ای و خیابانی می‌افزاید: در حال حاضر متأسفانه هم تئاتر صحنه‌ای و هم نمایش خیابانی مظلوم واقع شده‌اند. بازیگر تئاتر حرفه‌ای و خیابانی هر دو دارای مشکلات خاص خودشان هستند. تئاتر خیابانی از نظر تبلیغات و حمایت‌ها پشتوانه‌ای ندارد و باید جایگاهی برای اجرای نمایش خیابانی در تئاتر شهر در نظر بگیرند تا نمایش خیابانی هم به جایگاه خودش دست پیدا کند. مشخص شدن جایگاه بازیگران نمایش‌های خیابانی، معضلی است که به وضوح احساس می‌شود.

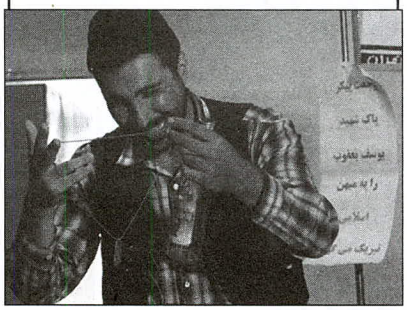

گفت و گو با محمد بی‌ریا
کارگردان نمایش جان سخت

حس ماجراجویی

در تئاتر صحنه‌ای تماشاگر به استقبال نمایش می‌رود، اما در تئاتر خیابانی اجرای نمایش به استقبال تماشاگر می‌رود.

محمد بی‌ریا از کارگردانان تئاتر خیابانی با بیان این مطلب درباره ویژگی‌های این گونه نمایش‌افزود: تئاتر خیابانی به لحاظ کارگردانی، بازی، متن و... قدرت تخیل بالایی را می‌طلبد. در این گونه نمایش، تماشاگر کاملا غیرقابل پیش‌بینی است. تماشاگر نمایش خیابانی از هر قشر و طبقه‌ای می‌تواند باشد. در تئاتر خیابانی نوعی حس ماجراجویی وجود دارد.

وی همچنین درباره تفاوت تئاتر صحنه‌ای و خیابانی معتقد است: تفاوت‌های زیادی بین این دو گونه نمایش وجود دارد. در تئاتر صحنه‌ای میزانسن ثابت است و قواعد و قراردادهای زیادی وجود دارد. همچنین در یک تئاتر صحنه‌ای نمایش در اجراهای مختلف شکل می‌گیرد و شکل نهایی خود را به طور مستمر حفظ می‌کند.

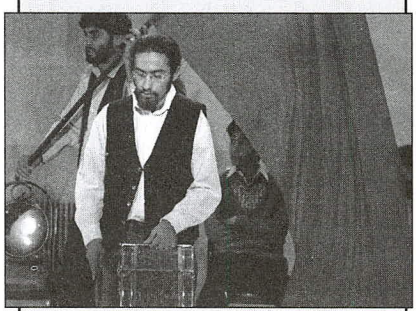

اما در تئاتر خیابانی به طور قطع شباهتی میان دو اجرا وجود ندارد و حتی این امکان وجود دارد که دو اجرای یک نمایش تفاوت‌های زیادی با هم داشته باشند. در تئاتر خیابانی اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی زیادی رخ می‌دهد و روند نمایش بستگی به حضور تماشاگران دارد. در لحظاتی از نمایش، تماشاگر وارد کار می‌شود و این امکان را به وجود می‌آورد که در پایان نمایش تغییری ایجاد کند.

گفت و گو با فریدزاده:
کارگردان نمایش طالب

آزادانه‌ترین انتخاب تماشاگر

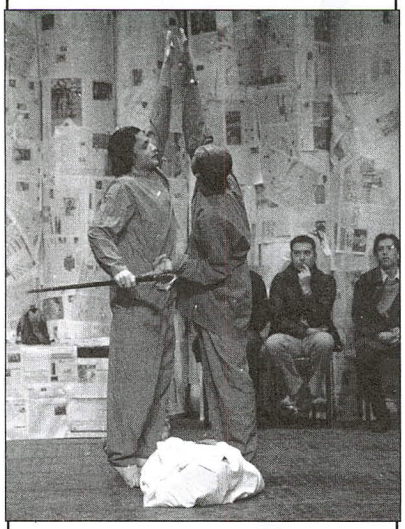

عبدالرضا فریدزاده از کارگردانان تئاتر خیابانی که چندین سابقه فعالیت در تئاتر صحنه‌ای هم دارد، درباره علت انتخاب تئاتر خیابانی و فعالیت در این عرصه می‌گوید: من هم در تئاتر صحنه‌ای و هم در تئاتر خیابانی فعالیت کرده‌ام، اما تئاتر خیابانی را به خاطر نحوه ارتباطش با مردم، پویاتر بودن ارتباطش در انتقال مفاهیم و مواردی از این دست انتخاب کردم.

تئاتر خیابانی قوانین و قواعد خاصی برای انتقال مفاهیم نمایش به مخاطب دارد و این برای من جذاب است.

وی که سال گذشته با نمایش خیابانی «انتظار» در جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است، درباره تمایز و تفاوت‌های موجود میان تئاتر صحنه‌ای و خیابانی معتقد است: تئاتر خیابانی و صحنه‌ای در ماهیت یکی هستند، اما به لحاظ اجرایی تئاتر خیابانی به خدمت تماشاگر می‌رود و تماشاگر آزادانه‌ترین انتخاب را برای تماشای یک کار خیابانی دارد. به لحاظ شکل و شیوه اجرایی نیز تئاتر خیابانی موظف است میزانسن چهار طرفه به مخاطب ارایه بدهد و باید زوایای بیشتری را پوشش دهد. بازیگر تئاتر خیابانی باید خلاق‌تر و در عرصه بداهه‌سازی مهارت بیشتری داشته باشد.

گفت‌وگو با بهنام هدایتی
کارگردان

کم‌هزینه‌تر و باقابلیت‌تر

ارتباط زنده و نزدیک نمایش خیابانی با مردم برجسته‌ترین ویژگی نمایش خیابانی است.

بهنام هدایتی، کارگردان نمایش خیابانی قایم‌باشک، شرکت‌کننده در جشنواره امسال با بیان این مطلب درباره ویژگی‌های تئاتر خیابانی گفت: در نمایش خیابانی ارتباط زنده و پویایی بین تماشاگر و گروه اجرایی نمایش وجود دارد و بسیاری از مسائل که در نمایش خیابانی مطرح می‌شود برخاسته از دل اجتماع است. این گونه نمایش احتیاج به محدوده جغرافیایی خاصی ندارد و در هر جایی از شهر و برای هر قشری از مردم قابل اجرا است. بنابراین در ارتباط با مخاطب موفق‌تر است. کارگردان نمایش خیابانی «قایم‌باشک» در ادامه گفت: خیلی از مسائلی که در تئاتر صحنه‌ای نمی‌شود مطرح کرد، در تئاتر خیابانی به راحتی مورد استفاده گروه قرار می‌گیرد. نمایش خیابانی ارتباط زیبایی با توده مردم دارد و لازم نیست حتما برای قشر خاصی اجرا شود، چرا که هرکس می‌تواند مخاطب این نوع نمایش باشد. در حال حاضر تئاتر صحنه‌ای ظاهرا به قشر متمکن جامعه و دانشجویان اختصاص یافته است و به لحاظ هزینه‌ها هرکسی قادر به تماشای تئاتر صحنه‌ای نیست. در مقابل، نمایش خیابانی کم‌هزینه‌تر است و قابلیت اجرایی بیشتری دارد. در تئاتر صحنه‌ای بین تماشاگر و صحنه دیواری وجود دارد، اما در نمایش خیابانی تماشاگر گروه را در بر می‌گیرد و گروه اجرایی دقیقا در میان مردم حضور دارند و به همین دلیل نمایش خیابانی زنده‌تر است.

معرفی نمایش

مرگ در ساعت مرغابی

«مرگ در ساعت مرغابی» نمایشی است از گروه تئاتر «آئین» به کارگردانی «سید محمد جواد طاهری» که در بخش نمایش صحنه‌ای شهرستان از استان قم در جشنواره فجر ۲۴ حضور دارد.عوامل این نمایش عبارتند از: حمیدرضا نعیمی (نویسنده)، سید محمد جواد طاهری (کارگردان، طراح صحنه و بازیگر)، کورش زارعی (مشاور کارگردان، دراماتورژ و بازیگر)، زهرا محمد باقری (بازیگر) و مجید امیری (بازیگر).این نمایش ۷۰ دقیقه‌ای در روز سوم بهمن‌ماه در تالار سایه تئاتر شهر روی صحنه خواهد رفت.

چیزی میان واقعیت و ذهنیت

سید محمد جواد طاهری از اعضای اصلی گروه «آئین» کارشناس حقوق قضایی و کارشناس ارشد نمایش از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد است. سید محمد جواد طاهری علاوه بر تجربه فراوان در حیطه بازیگری، نام خود را به عنوان کارگردان در چندین اجرای نمایشی ثبت کرده است که از آن جمله می‌توان از نمایش‌های «سلطان و سیاه» (نوشته علی نصیریان)؛ «افرا» (بهرام بیضایی)؛ «خار و دل» (سید مهدی شجاعی)، «مردی در بند» (عبدالحی شماسی) نام برد. گفتنی است نمایش «مردی در بند» در جشنواره بیست‌وسوم فجر شرکت داشته است و اکنون در جشنواره بیست‌وچهارم فجر با نمایش «مرگ در ساعت مرغابی» حضور دارد.

«مرگ در ساعت مرغابی» داستان جوانی را روایت می‌کند که آگاهانه در یک شب سرد زمستانی وارد کافه‌ای می‌شود و این سرآغاز ماجراست. او آدم‌های حاضر در کافه را می‌شناسد، به آن‌ها نزدیک می‌شود، گذشته آنها را به تصویر می‌کشد، منجر به تغییر و تحول در آنها می‌شود و....

کارگردان این نمایش شیوه اجرایی خود را چنین توضیح می‌دهد: «سعی در خلق فضایی مابین فضای رئالیستی و فضای ذهنی داشته‌ام، چیزی میان واقعیت و ذهن.»

«سید محمد جواد طاهری» که در ۷-۸ دوره اخیر جشنواره فجر تقریباً به طور مداوم به عنوان بازیگر یا کارگردان حضور داشته است درباره غیررقابتی شدن جشنواره در دو دوره اخیر گفت: «من اتفاقاً از جمله کسانی هستم که با رقابتی بودن جشنواره بسیار موافق هستم. این هم هنرمند را تشویق می‌کند، هم تا حدودی سطح علمی و عملی یک اثر را برای خالقش روشن می‌کند.»

وقتی به سید محمد جواد طاهری توضیح می‌دهم که در جشنواره بیست‌وچهارم هر یک از اصناف برای حوزه‌های خود جوایزی در نظر گرفته‌اند، چنین اظهار نظر می‌کند: «من با این شکل موافق نیستم و به نظرم مرکز باید این مهم را بر عهده بگیرد.»

وی در توضیح اظهارات خود می‌افزاید: «ما هنوز به جایی نرسیده‌ایم که فستیوال تئاتر داشته باشیم (فستیوال به معنای اجرای نمایش بدون هیچ مسأله جانبی) و وقتی ما رقابت را حذف می‌کنیم باید چیزی داشته باشیم تا جایگزین این رقابت کنیم که متأسفانه در حال حاضر مقدور نیست. ببینید درست است که اجرای عمومی هم می‌تواند برای گروه‌ها چه تهران و چه شهرستان انگیزه ایجاد کند ولی با توجه به قراردادهای ناچیز و با توجه به محدودیت سالن‌ها، این رقابتی بودن حداقل می‌تواند انگیزه باشد.»

طاهری درباره وضعیت اجرای عمومی در قم می‌گوید: «به طور کلی در شهرستان‌ها امکان اجرای عمومی وجود ندارد. ما با این که در قم هستیم و این‌جا بیشتر از ۶۰-۵۰ کیلومتر با تهران فاصله ندارد و باید از مرکز متأثر باشد، امکانات خوبی نداریم. اگر کار می‌کنیم واقعاً همت گروه است و عشق و علاقه‌شان به کار. جمع شدیم و یک نمایش حاضر کردیم.»

وی در جواب این پرسش که آیا در صورت امکان مایل به مهاجرت به تهران است یا خیر؟ پاسخ می‌دهد: «اگر برای من مقدور بود، هم به لحاظ مالی و هم وضعیت شخصی، حتماً به تهران می‌آمدم.»

نمایش «مرگ در ساعت مرغابی» برای اجرا در تالار سایه انتخاب شده است و کارگردان این نمایش از این مسأله اظهار رضایت می‌کند و می‌گوید: «تالار سایه بهترین تالار برای اجرای نمایش من است.»

وی در جواب این پرسش که آیا سالن مورد علاقه و مناسب برای اجرای نمایش را برای بازبینان توضیح داده یا خیر؟ پاسخ می‌دهد: «نه، اتفاقی بود. البته خب اتفاقی هم که نه. چون بازبین‌ها نمایش را دیدند و خودشان تشخیص دادند که چه سالنی مناسب است. والله از وقتی که رئیس مرکز آقای پارسایی شده‌اند، با این که در یک گروهیم، ایشان کمتر ما را در نظر می‌گیرند و بقیه را در اولویت قرار می‌دهند و به هیچ وجه رابطه گروهی‌مان را در مدیریت و... دخالت نمی‌دهند.»

سید محمد جواد طاهری در پایان گفت که امیدوار است جشنواره به خوبی برگزار شود و اجراهای شهرستانی در میان آثار تهرانی بتوانند به لحاظ جذب مخاطب موفق باشند.

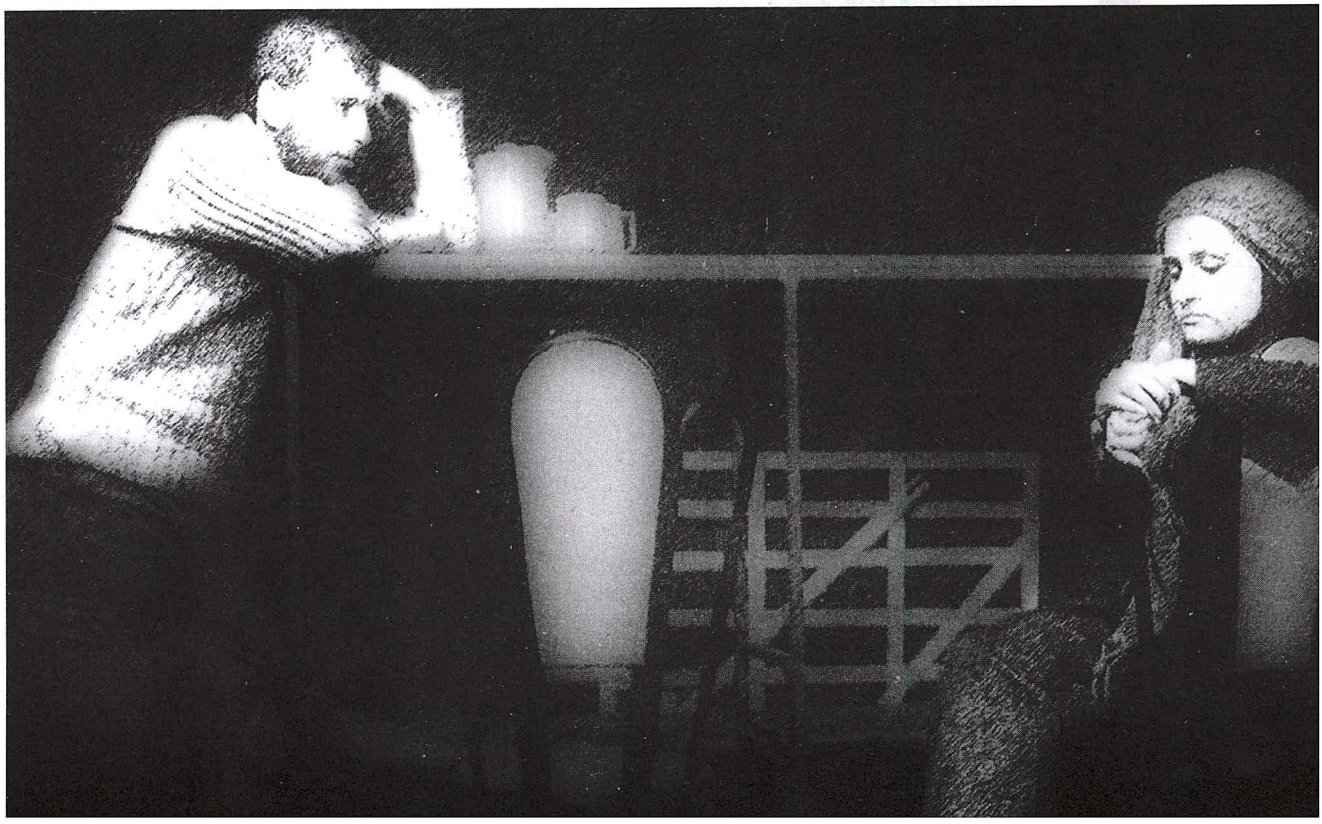

یادداشت

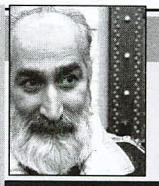

هوشنگ هیهاوند

جهان دانا، تئاتر نادان

از روزی که اساس و بنای تئاتر بر «کشف» و به زبان و کلام فلاسفه «شناختن هامارتیا – ترحم و شفقت و همزادپنداری» گذاشته شد و تراژدی و گونه‌های دیگر هم عصرش (کمدی – فارس و...) جای خود را از اشرافیت تاریخی و جغرافیایی (کلاسیک یونان- کلاسیسیسم روم – نئوکلاسیسیسم فرانسه و سپس انگلستان) به مکتب‌های ادبی جهانی و جهان‌گیر (رومانتیسیسم – رئالیسم- سوررئالیسم - ...) داد و رسیدن به تئاتری تکنیکالیته شده (عصر تئاتر شقاوت – استانیسلاوسکی – برشت و...) و پای نهادن به عصر کنونی یعنی همین امروز که شما نوشته مرا می‌خوانید و تئاتر، هنری فردی شده یا می‌تواند باشد و هرکس مکتب، سبک و گونه خودش را دارد؛ یک عنصر به شکل ثابت در همه دوره‌ها و در همه انواع وجود داشته است.

چه بسا تئاترها و گونه‌ها و ادعاهایی که در تئاترش تماشاگر وجود ندارد و نداشته. این به خودی خود معنای دیگری را پدید می‌آورد: «پس این‌گونه تئاتر، بازیگر و شخص نمایشی هم ندارد.» اما آن چه چیز است که همیشه و در زمان و مکان فرضی و تاریخی تئاتر، ثابت مانده و اتفاقا به اعتقاد من، همه شرافت و فخامت تئاتر هم همان جاست؟

پاسخ من که همه شما به آن واقفید و فقط ممکن است موج و هاله روشنفکرانه تئاتر، موجب عدم توجه ما به آن شود یک نکته ساده است: «نادانی».

در تئاتر همیشه عنصری وجود دارد که آن را فارغ از مسائل زیبایی‌شناختی، ریخت‌گرایی و... جاودان ساخته. هیچ نمایشی حتی در پس ده‌ها اجرا و صدها تحلیل و بررسی و نقد، وجود ندارد که تمام و کمال یافته باشد. همیشه یک «نمی‌دانم» در همه ابعاد تئاتر و نمایش و ارکان آن وجود دارد.

– آنجا که نویسنده در پاسخ به سوال منتقد یا کارگردانی می‌گوید: نمی‌دانم.

– آنجا که کارگردان در پاسخ به عوامل اجرا و بازیگرش می‌گوید: نمی‌دانم.

– آنجا که نمایش در پاسخ به خودش می‌گوید: نمی‌دانم.

در جهانی که تکنولوژی ارتباطات، رشد صنعت مدرن، سیر در کائنات نادیدنی و علم، دایم پاسخ ارایه می‌دهند و مرگ خود را آغاز می‌کنند، تئاتر و نمایش این‌گونه نیست، چون چنین است: «هستم، چون نادانم».

هو- هی – ها

شنیده‌ها در راهروهای تئاتر شهر

از پله‌ها که به سمت تالار نو حرکت می‌کردیم، یکی می‌گفت: «چرا در ورودی تالار قشقایی هنوز بسته است؟»

دیگری گفت: «قرار است گودبرداری کنار تئاترشهر، ختم به خیر شده و بخشی از آن به عنوان تئاتر شهر ۲ تعریف شود.» امیدواریم.

یادداشت

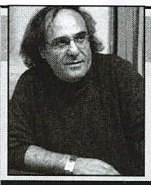

قطب‌الدین صادقی

تفکرات اجتماعی در تئاتر

جریان اندیشه در تئاتر ایران مسیرهای مختلفی را طی کرده است. این اندیشه هر دهه‌ای در تئاتر ایران به شکلی نمود داشته است، اما میزان شکوفایی آن در هر دهه متفاوت بوده است.

جریان تفکر در تئاتر ایران پس از شهریور ۲۰ به شکوفایی خود رسید و سپس در دوره کودتای ۲۸ مرداد افول کرد و بار دیگر در دهه ۴۰ اوج گرفت.

جریان اندیشه در تئاتر اوایل انقلاب اسلامی به شدت احیا شد، اما سپس نوسان یافت و این روزها کم‌رنگ‌تر شده و دوره افول خود را طی می‌کند.

با تاسیس دارالفنون در ایران تئاتر اجتماعی نیز شکل گرفت و هرچه رو به این سال‌ها آمدیم، این نوع تئاتر بیشتر رواج پیدا کرد. در آن دوران شاهد انواع تئاتر روحوضی، تئاتر مذهبی که در قالب تعزیه نمود پیدا کرد و تئاتر اجتماعی بودیم. با آخوندزاده و اجرای

با اهالی تئاتر درباره

حضور بین‌المللی تئاتر ایران

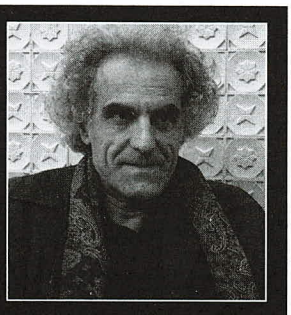

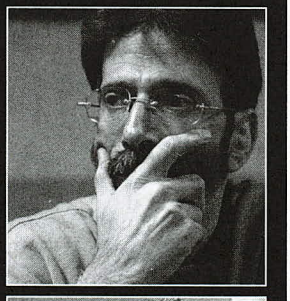

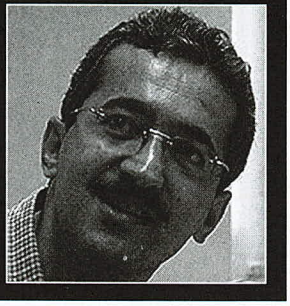

محسن حسینی:

من بی اطلاعم

فکر می‌کنم نمایش‌ها براساس یک سری روابط به عرصه بین‌المللی راه می‌یابند که من این روابط را نمی‌شناسم و از ضوابط هم بی‌اطلاعم. به نظر من باید از خود کارگردان‌ها درباره این روابط بپرسید. در مورد معیارها و ضوابط چگونگی انتخاب نمایش‌ها برای حضور در عرصه بین‌المللی تنها روابط امور بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی می‌تواند پاسخگو باشد.

نصرالله قادری:

ضابطه‌ای وجود ندارد

طی سه دوره مدیریتی گذشته از دکتر سلیمی تا دکتر نشان، معمولا افراد ثابتی امکان حضور در عرصه بین‌الملل را داشته‌اند. به جای گروه دانشجویی به یک جشنواره دانشجویی خارجی یک گروه نمایش حرفه‌ای اعزام می‌شود که اصلاً ربطی به تئاتر دانشگاهی ندارد. در حالی که یک نمایش با سه دانشجو و استاد بدون اطلاع دانشگاه و مراکز آموزشی نمی‌تواند نماینده تئاتر دانشگاهی ما در جشنواره خارجی باشد و اینجا است که مشخص می‌شود ضابطه‌ای وجود ندارد و این انتخاب بیشتر بر اساس رابطه بوده است.

خود من دو تا سه دعوتنامه برای خارج از کشور دریافت کرده بودم و به مرکز هنرهای نمایشی ارائه دادم، اما از این میان تنها با سفر ما به هندوستان موافقت شد، اما نمی‌دانم این تصمیم بر چه اساسی بود.

پس از حضور نمایش‌های ایرانی در عرصه بین‌الملل و بر اساس اطلاعاتی که از مطبوعات کشورهای خارجی کسب می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اصلاً ضابطه مشخصی برای اعزام این گروه‌ها وجود ندارد.

محمد یعقوبی:

خودمان ارتباط می‌گیریم

در دوره مدیریت مجید شریف خدایی، شیوه ناسالمی در مورد اعزام و حضور بین‌المللی گروه‌های ایرانی در خارج از کشور وجود داشت. به طوری که مدیر تصمیم می‌گرفت چه گروهی به خارج از کشور برود، اما با وجود این به طور استثنا برخی از کارگردانان جوان ایران مانند امیررضا کوهستانی به خاطر شایستگی‌هایی که داشتند، آثارشان در صحنه بین‌المللی دیده شد و توانستند تهیه‌کننده خارجی را جذب کنند و امروز نیز به حضور بین‌المللی گروهشان ادامه دهند. اکنون بیشتر گروه‌های تئاتری با گروه‌های خارجی ارتباط برقرار می‌کنند و پس از پیدا کردن راه

آثار مولیر در ایران نیز تئاتر اجتماعی شکل واقعی خود را پیدا کرد.

سپس به سراغ تئاتر غربی رفتیم تا نقد اجتماعی داشته باشیم، تئاتری که بر کژی‌ها دست بگذارد و تا امروز تنها تئاتری موفق بوده که در خود اندیشه اجتماعی داشته است.

این روزها جوانان براساس افکار غیراجتماعی به ارایه آثاری تجریدی می‌پردازند که به نظر من عاری از اندیشه است، این آثار بیشتر تحت تاثیر بحران‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و کپی کارهایی از آثار خارجی است.

علت اصلی فلج شدن تئاتر همین کپی‌کاری‌هاست.

تئاتر، هنری تفننی و سرگرم‌کننده نیست و تماشاگران خاص خود را دارد، هرچند که در کشور ما تئاترهایی برای سرگرمی قشر عام مردم وجود دارد؛ نمایش‌هایی از جنس لاله‌زار و گلریز، اما نمی‌توان از این نوع نمایش‌ها توقع اندیشه و استتیک (زیبایی‌شناسی) داشت. این نمایش‌ها فقط جنبه شادی‌آور و سرگرم‌کننده دارند.

تئاتری که توام با اندیشه اجتماعی و پژوهش‌های زیبایی شناسانه باشد، زبان و فرهنگ تئاتر را گسترش می‌دهد. اما جریان‌های جوان تئاتری بیشتر نقدگریز و تفکرگریز هستند و بیشتر به بیان احساسات فردی اعضای گروه می‌پردازند.

امکان حضور در صحنه خارجی مورد حمایت مرکز هنرهای نمایشی قرار می‌گیرند و باحمایت مرکز راهی کشورهای خارجی می‌شوند.

ضابطه مشخص در این باره وجود ندارد. همچنین در سال‌های گذشته سیستمی ارائه شد که بر اساس آن تمامی کارهای برتر جشنواره امکان حضور و اجرا در جشنواره‌های کشورهای خارجی را پیدا می‌کردند. این به نظر من یک ضابطه بود. هرچند که در این میان ممکن بود از نظر برخی صاحب‌نظران، انتخاب کارهای برتر بخش مسابقه جنبه کیفی نداشته باشد، اما این ضابطه می‌توانست در آینده موجب رونق شایسته‌سالاری شود و ما با فرستادن آثار با کیفیت به خارج از کشور، معرفی درستی از تئاتر کشورمان انجام دهیم.

مسعود دلخواه:

نتوانسته‌ایم نماینده هویت ایرانی باشیم

می‌توان گروه‌های تئاتری را به سه دسته تقسیم کرد. یک سری از گروه‌های تئاتری هستند که توسط افراد خارجی برای شرکت در فستیوال‌های خارجی انتخاب می‌شوند. گروه‌هایی نیز هستند که از سوی مرکز هنرهای نمایشی انتخاب می‌شوند. گروه‌هایی نیز هستند که با تلاش و خرج خود برای اجرا به کشورهای دیگر رفته و در فستیوال‌های خارجی شرکت می‌کنند.گروه اول نمایندگان خارجی که به دیدن تئاترهای ایرانی می‌آیند امکان دیدن تمام تئاترها را ندارند. این افراد آزادی عمل ندارند که تمام تئاترها را دیده و انتخاب کنند و افراد به سمت چند گروه خاص هدایت شده و فقط چند کار را می‌بینند که این نوع انتخاب قابل حمایت نیست.

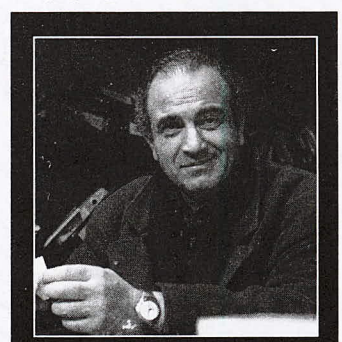

ما تعریفی از هویت ملی – مذهبی داریم، اما این تعریف کمتر در حوزه تئاتر عینی شده است . باید کمیته‌ای تشکیل شود که کیفیت آثار را بررسی کند. تئاترها از نظر کیفی پایین هستند و کمتر فرهنگ ملی و مذهبی و ایرانی را نشان می‌دهند و از نظر هنری نیز در سطح پایین قرار دارند. باید کمیته‌ای باشد که نظارت کیفی داشته باشد و تشخیص دهد کار هنری ارزش شرکت در جشنواره‌های خارجی را دارد یا ندارد.

گروه سوم که نه از سوی مرکز هنرهای نمایشی انتخاب می‌شوند و نه از سوی نمایندگان خارجی و گروه‌ها، از حمایت دولت خارج می‌شوند و به هزینه خود در جشنواره‌ها شرکت می‌کنند.

تئاترهایی که شاهد بودم به خارج از کشور رفتند برخی قوی هستند، اما در کل نمی‌توانند منتقل کننده هویت ایرانی، ملی و مذهبی باشند. حتی نمایش‌ها از نظر سطح کیفی و هنری نیز کار خاصی را در جوامع بین‌المللی انجام ندادند.

بابک محمدی:

فقط تبادل اطلاعات

سال‌ها شاهد برگزاری جشنواره‌های بزرگ هستیم و در تئاتر کشورهای مختلف، نمایشنامه هملت به عناوین و شکل‌های مختلف روی صحنه می‌رود. در تئاتر، کلام و زبان مهم است. در سطح دنیا، جشنواره‌هایی که برگزار می‌شود و گروه‌های مختلف اجرا دارند برای ارتباط برقرار کردن باید کلام و زبان را داشته باشند. تاکنون گروه‌های تئاتری ایران نتوانسته‌اند فرهنگ ایرانی را منتقل کنند. تئاترهایی که برای شرکت به جشنواره‌های خارجی می‌روند باید ایرانی باشند مانند نمایش «رستم و سهراب». اما در این کشورها نمایشنامه‌ها شناخته نمی‌شوند. ما حتی در ایران تحت تاثیر تئاتر خودمان نیستیم چه برسد به کشورهای خارجی! متن ایرانی کم داریم و حال اگر گروه‌های تئاتری نمایشی از «چخوف» را در خارج از کشور اجرا کنند این دیگر انتقال فرهنگ بومی و ایرانی نیست.

ما نمی‌توانیم ایرانیان مقیم خارج را تحت تاثیر قرار دهیم. ایرانیان مقیم خارج، تماشای تئاتر را در زندگی روزمره خود قرار نمی‌دهند. تنها امتیازی که در سفرهای گروه‌های تئاتر وجود دارد، تبادل اطلاعات است.

یادداشت

وحید لک

فلسفه وجودی تئاتر خیابانی

نمایش سیار

بخش دوم

نمایش سیار سه نوع است: یکی به صورت سفرهایی است که تماشاگران را از جاهای گوناگون می‌گذرانند. دیگری تماشاگر در محلی قرار می‌گیرد و پرده‌های نمایشی از مقابلش می‌گذرد و بالاخره نمایش‌هایی که بازیگران آن سرزده به میان جمعیتی که به کار خویش هستند رفته و در میان آنها بازی می‌کنند. زیبایی آنها در ثابت نبودن محل است، به این معنا که به استفاده از یک محل اکتفا نمی‌کنند و جاهای متنوعی برمی‌گزینند که این موجب هیجان مداوم است. سفرهای تئاتری گوناگونند، اما نکته مشترک آنها نحوه حرکت تماشاگران است که باید به ترتیبی باشد که نمایش را ببینند. تقریبا همیشه تعداد صحنه ساکن (ایستگاهی) در خلال سفرها وجود دارد. حرکت تماشاگران اغلب توسط نمایشگران هدایت یا همراهی می‌شود. در بعضی موارد نه تنها تماشاگر از خود مایه می‌گذارد، بلکه باید به نمایشگر اعتماد قابل توجهی نیز داشته باشد، زیرا ممکن است به نقاطی ناآشنا برده شود که نتواند به آسانی درباره آن تصمیم بگیرد.«درارت» سفری نمایشی برای رفتن به محلی مشخص تدارک دید. بسیاری از گروه‌ها تا حدودی از مکان‌های قابل استفاده در اطراف خود استفاده می‌کنند. دلیسودادا به هر نقطه‌ای که شرایط بیرونی مناسبی داشته باشد می‌تواند سفر کند و به همین دلیل نیازی به تنظیم نمایش‌های خود براساس محل ندارد. اما از طرفی هیجان ناشی از تغییر محل را هم از دست می‌دهد. بسیاری از گروه‌ها از همین روش استفاده می‌کنند. داستان انعطاف‌پذیری را در نظر می‌گیرند که بتوان با هر محیطی تطبیق داد بدون آن که لازم باشد برای آن داستانی تازه بسازد.

«امر جنسی اگزیت» سفرهای زیادی رفته است. یکی از آنها سفر با کشتی در خط ساحلی رودخانه تیمز بود و نمایش روی آب و خارج آن جریان داشت. پری دریایی‌ای در کنار کشتی ظاهر شد و سپس از آن بیرون آمد. همچنین در ایام کریسمس همراه با جمعیت شرکت‌کننده در مراسم «سانتاگروتو» به سفرهای کوتاهی رفتند. یکی در محل فروشگاهی بزرگ و متروکه و دیگری در یک قطار مسافربری بود. آنها قطار را تخلیه و درون آن را به فضایی کاملا نمایشی تبدیل کردند. سه یا چهار کودک، همزمان در محلی که میان تابلوهای مختلف نمایش در رفت و آمد بودند، داستانی را حکایت می‌کردند.

ادامه دارد

گزارش تمرین نمایش «دو متر در دو متر جنگ»

آدم‌های کارتونی

همه صحنه در دو جعبه مهمات خلاصه می‌شود: لحظه‌های طنزگونه یک نبرد فرازمینی با المان‌هایی از نور و اغراق‌های گروتسکی.

هدایت هاشمی، سینا رازانی، فرزین صابونی و علیرضا محمدی، فرماندهان و سربازان صحنه یک نبرد فرازمینی در کارگاه کوچک نمایش هستند. جنگ آنها با توپ و تانک و صحنه‌های تکراری ایثار آمیخته نشده است. طنز تلخ تنیده شده در این اثر تو را با دنیای جدیدی از جنگ و ستیز آشنا می‌کند که فراتر از مرزهاست.

نیما دهقان کارگردان جنگ صحنه‌ای می‌گوید: «من از فضای رئالیستی متن این نمایشنامه به یک فضای غیرمتعارف رسیدم و شخصیت‌های اثر از حالت رئال خود به شکل کارتونی (انیمیشنی) تبدیل شده‌اند. من همه آدم‌ها را ساده و کارتونی می‌بینم و معتقدم همه چیز باید در نهایت سادگی باشد.»

مرز سرزمین تئاتری با خاک تقسیم‌بندی می‌شود. خاکی که برخاسته از صحنه نیست و تو آن را از سرزمینت برای اجرای یک اتفاق عاریه گرفته‌ای. به خوبی می‌دانی مرزی در تئاتر وجود ندارد و همه چیز رنگ دیگری دارد و آزادانه می‌توانی آرزو و خواب‌هایت را بازی کنی.

نور می‌آید، دهقان می‌گوید: «من به کمدی علاقه زیادی دارم و جنگ یکی از دغدغه‌های همیشگی‌ام است.»

«دو متر در دو متر جنگ» اتفاقی نیست که با خاک مرزبندی شود یا با اجرای کوچکی در کارگاه نمایش دیده نشود.

نیما دهقان که دو سال از صحنه تئاتر دور شده بود به نظر خودش این فرصت دوباره یک اتفاق جدید است و می‌گوید: «طرح این نمایش را به آذرنگ دادم. حمیدرضا آذرنگ آن را کاملاً رئالیستی نوشت و من به آن نگاهی طنزآمیز کردم.»

او معتقد است هر هنرمندی با خصوصیت خاص خودش به یک اثر هنری نگاه می‌کند و آن را جان می‌دهد.

در پاسخ به این‌که چرا نگاه طنز به مقوله‌های جنگ در سرزمینمان اندک است، می‌گوید: «پای‌بندی آدم‌هایی که دغدغه جنگ دارند به مفاهیم جنگ علت آن است. آنها نمی‌خواهند با نگاه نو به جنگ، چهارچوب‌ها را بشکنند و از ارزش‌ها دفاع کنند.»

همه چیز در این اجرا ساده به پایان می‌رسد و تماشاگر با خنده‌ای تلخ به پایان یک نبرد می‌اندیشد.

دیگر عوامل این نمایش عبارتند از: دستیار کارگردان: نوید دهقان، ملیحه زمانی، طراح صحنه و لباس: منوچهر شجاع، مدیر صحنه: هادی عطایی و نریمان دهقان.

تجربی

گزارش تمرین نمایش «عادل‌ها»

گپ شیرین استاد و شاگرد

کمتر از چهار سال است که گروه کوچک «گپ» در یکی از پلاتوهای دورافتاده دانشگاه تهران جان گرفته و امیرحسین حریری به همراه عده‌ای دیگر از دانشجویان این دانشگاه با اتودهایی از تجربه‌های مختلف تئاتری خود را سرگرم کرده‌اند.

«عادل‌ها»ی آلبرکامو در جشنواره امسال تجربه جدید این گروه تجربی‌گرا است.

«از این که در کنار استاد خود اثری از آلبر کامو را اجرا می‌کنم، خوشحالم!» این بخشی از دیالوگ حریری است در پاسخ به اینکه آیا می‌دانید دکتر صادقی هم با یک اجرا از «عادل‌ها» میهمان جشنواره تئاتر امسال است؟

شهین علیزاده، احمد مهران‌فر، وحید نفر، فرانک ترابی، علی تقی‌زاده، بهروز پناهنده، مجتبی جدی، امیرعباس حسینی و داود قربان‌زاده، بازیگران «عادل‌ها»ی حریری هستند.

این گروه با وفاداری به متن کامو در داستان و تم نمایش سعی کرده‌اند صحنه‌های جدیدی را خلق کنند و در روند داستان تغییراتی بدهند.

حریری می‌گوید: «زمان در این نمایش حذف شده است و برخی کاراکترها در کل اثر شناور هستند. همچنین سعی کرده‌ایم مفهوم و جانمایه اثر را به طور امروزی‌تری به مخاطب ارایه کنیم.»

طراح صحنه این نمایش امیر زاغدی است.

حریری ادامه می‌دهد: «گروه ما به صورت شورایی و با اتود زدن‌های مختلف به یک هماهنگی و هارمونی در انتقال مفهوم رسیدند و این کار سختی بود، چون زمان را در کل اثر شناور کردیم و همین موجب گرفته شدن قدرت تعلیق داستان شده بود، در حالی که عمده تمرکز گروه چگونگی رسیدن به این تعلیق بود.»

حریری که قرار است در بخش پایان‌نامه‌های برتر دانشجویی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی خود را ارایه دهد، با نگاه حرفه‌ای در تئاتر از نظر کسب درآمد مخالف است و معتقد است، هر هنرمند تئاتری حتی دانشجوی ترم یک تئاتر همین که پای خود را به دانشکده تئاتر می‌گذارد، حرفه‌ای تئاتر محسوب می‌شود.

او می‌گوید: «حرفه‌ای به معنای کسی که از راه تئاتر کسب درآمد می‌کند، یک تعریف نادرست است.»

حریری جوان کمی از مسوولان جشنواره دلگیر است، زیرا تمرینی به گروه جوان آنها نداده‌اند.

او در پایان می‌گوید: «پایان‌نامه‌های برتر دانشجویی به عنوان نماینده‌های دانشکده‌های معتبر تئاتری کشور هستند و نباید در پاسخ درخواست ما از مسوولان جشنواره برای گرفتن محل تمرین به ما گفته شود ما مسوولیت تأمین محل تمرین این بخش از جشنواره را نداریم.»

An interview with Mosaafer Astaneh, Secretary of the 24th Fadjr International Theater Festival

• *In this year's festival, the Manager of the Dramatic Arts Center is not in charge of the secretariat of Fadjr International Theater Festival. What role is this change going to play in the festival? And tell us what the specific characteristics of this festival in comparison with the last year?*

_ *I believe that the Secretary of the festival is so busy and the manager of Dramatic Arts Center had better appoint someone other than himself as the Secretary of the festival. The Manager should supervise the Secretary's affairs.*

In this way, the manager is able to have a better supervision over the festival with less worry. The process of evaluation of works was rather difficult in previous years festivals. The initial problem was that after calling for plays in the festival, some 800 texts were sent to the festival's secretariat. After evaluation of the texts, which was a complex process, about a hundred of them were selected. The selected groups rehearsed for about 4 months. Then their performance was observed and some 30-35 of them were admitted to the festival in the end.

Considering all these problems, we came to the decision that the festival should not shoulder the responsibility of producing plays. This is probably the most significant change in the approach of the 24th Fadjr International Theater Festival.

• *In this year's festival, there exists no official competition, and more than half of the Performances are not new. Do not you think these elements reduce the fervor and motivation for participation in the festival?*

_ *This issue can be approached from different views. Firstly, there are numerous theater festivals which have competitive nature. Also the world's most credible festivals are non – competitive and the group's sole participation in them is an honor.*

I have to add that judgment is a relative affair. Even if you observe all Scientific Criteria, with a change of the jury the results change too.

* *What's up about the theater Great Ceremony why didn't this idea materialize?*

_ *the idea of holding the ceremony was not based on studies. The plan had both. Positive and negative aspects. Apart from that, we didn't have enough facilities. We need to have such Ceremonies, but they should be supported by responsible institutions and organizations.*

Memorandum

By: Ghotbeddin Sadeghi, Theater Director and playwright

A period of Social Thought Descent in Theatre

Thought current in Iranian theater has experienced being through various ways. The thought about theater has had a different manifestation in each decade of Iran's theater history, while having a different level of development within each period.

Thought current in Iranian theater experienced a prosperous era after July 1941, but faced a subsidence in 1953(which marks a coup in the country's political system). Theater in Iran rose again in 1960s.

Other occasions and elements influencing the thought current about Iranian theater are: the Islamic Revolution (1979) carrying out a reviving effect on theater, establishment of Dar-ol Fonoun (an educational center) which publicized social theater and Akhundzadeh's directing of Mullier's works which made social theater found its real position.

The prominent reason leading to today's theater paralysis is imitation. Performances by the youth are usually based on non-social thoughts and are imitations of foreign works.

Theater, based on social thought and aesthetic research can improve language and culture. Such outcomes cannot be expected from popular entertaining works.

Festival Foreign Guest Introduced

This year, In addition to artists and contributors of theatre groups in international section, some of the world festivals managers have come to Iran to choose some Iranian theatre for their festivals.

The list of these managers is as follows:

Turkmenistan:

"Handury Berdiyew", Deputy of Manager in Alp Arsalan theatre, "Aymammet Isangulyyew" Head of theatre department in ministry of culture TV & Radio, and "Cocmyrat Bekiyew" Director of Alp Arsalan theatre.

Croatia:

"Misura Zdenka", Theatre director

Belgium:

Christophe Slagmuylder theatre manager

Germany:

"Dieter Kummel" manager and director of Friberge festival, "Marc – Andreas Hermann" theatre Manager, "Roberto Ciulli" theatre director "Gertrud Christa Hoffmann" Academic theatre arts, "Karl – Volker Lippman" Actor and Manager of Tifrot theatre

Georgia:

"Levan Khetaguri: Teatreologist, secretary of Georgia I.T.I.

Cyprus:

"Andreas Christodoulide" Artistic Manager of Anna theatre, "Anna Marargou" Artistic Advisor of Anna theatre

Netherlands:

"Ugo Joan Feri De Geus" Director "Jacobus Wilhelmus Van Veen" Manager Director of Netherlands festival "Elbert Wernard Johannes Zilver" Manager of Bambie theatre, "Johannes Aart Cornelis Linden Vander" Advisor General cultural Exchange Coordinator

Ljubljana:

"Janez Pipan" General Manager of sloveni national theatre and Artistic Director

Estonia:

"Meos Mart" Manager of Ramtallin union," Merle Karusoo" theatre producer,"Katrin Saukas" member of ram union," Ants Lusti" manager of ram theatre

Russia:

"Victor Goultchenk" Manager of Chekhov International lab of Moscow

Opening ceremony of 24th Fadjr International Theatre Festival was held

24th Fadjr International Theatre Festival opening ceremony was held yesterday afternoon. In this great ceremony, different groups of theatre in the form of carnival show their symbolic forms from Enghelab Ave to Valieasr cross.

Some of the Iranian vernacular customs performed in it like Taziye, folklore dances, and puppet show,...

During this ceremony message of ministry of culture and Islamic guidance, and message of Majlis speaker lectured and "Hossein Parsai" manager of Dramatic Arts Center and "Mohammad Hossein Imani Khoshkhoo" deputy of ministry of culture and Islamic guidance in art affaires spoke.

Head of Festival's International Committee Informs of Two Timetable Changes

Head of the 24th Fadjr International Theater Festival's international committee; Mohammad Atebbai said that two programs have changed in the timetable of the festival.

"Abel and Cain" play from Turkmenistan can not be performed due to heavy snowfall in the country.

Turkmenistan's Culture Ministry officially informed the festival's secretariat of this cancellation "Shobash" of Syria will be performed on Monday and Tuesday instead, Atebbai added.

Also the Dutch participating group supposed to perform "Bambies" has not yet been able to arrive in Iran due to its Turkey – Iran flight cancellation Atebbai concluded.

Iranian Theatres on International Stages

Mohsen Hosseini

I have no in formation about standards and principles which cause participation of Iranian theatres on international stages. I think international office of Dramatic Arts Center can responds to us.

Nasrollah Ghaderi

I received three invitation letters to travel to different international festivals, and I demonstrated them to Dramatic Arts Center, but they chose just India among them. I do not know what the standards to make this decision are?

Mohammad Yaghoubi

Previously it was the manager who decided which group to participate in international festivals although exceptionally, some of the young directors like Amir Reza Kouhestani made their ways through the international stages and could attract foreign producers and they still continue their activities in international festivals.

Nowadays, the condition has changed. Most of theatre groups establish communication with support of Dramatic Arts Center .

Massoud Delkhah

I divide Iranian theatre groups to three categories: The first groups are those who are invited to participate in international festival from abroad.

Others are the groups who are chosen by Dramatic Arts Center and the last ones are those groups who participate in international festivals through their attempts and private budget.

Some of the theatres which I have seen were of high quality but most of them could not transmit the religious and national Iranian identity.

Babak Mohammadi

This great festival has been held for years.

"Hamlet" is performed in different forms on different country's stages. Language and declaration are too important in the theatre, so those groups which participate in international festivals must have good language and declaration. Iranian theatre groups have not been able to transmit Iranian culture until now.

We must send plays which have Iranian cultural aspects like "Rostam and Sohrab" theatre.

24th Fadjr International Theater Festival

Street Theater Section

January 20-29 ,2006

theater for all

Opening of 24th Fadjr International Theater Festival – Friday 20 Jan - City Theater Yard

Place / Date	City Theater Yard	City Theater Yard	Daneshjoo Park (North)	Daneshjoo Park (North)	Daneshjoo Park (South)	Daneshjoo Park (South)	Honar Garden (House of Artists)	City Park (Saat Aven)	Rah Ahan Park	Bahman Cultural House	Shafagh Cultural House (Daneshjoo)	Meellat Park	Khayyam Park	Fadak Cultural House	Next to Vahdat Hall	Next to Molavi Hall	Laleh Park (Flower shop)
	15	15:30	16	16:30	17	17:30	16:30	16	15:30	16:30	16:30	16	16	16:30	17	16:30	16
Saturday 21 Jan 2006	Everywhere, sky has the same color Jamshid Asgari Tehran	Die – hard Mohammad Biria Tehran	Sympathizer Amir Mossayabi Tehran	From T to M Mohammad Reza Dinarvand Booshehr	Hamoun Is Hamoun Gholam Reza Poudineh Zahedan	Eclipse Mahmoud Farzinezhad Siahkal	Nile Savar Ahmad Mardani Broajen	Taleb Abdoreza Farid Zadeh Tehran	Two brothers Pezhman Kashefi Tehran	Usurpers Mortaza Vakilian Tehran			Stone, Paper, Scissors Mehdi Habibi Malayer			House of Friend Abouzar Chehel Amirani Tehran	
Sunday 22 Jan 2006	Nile Savar Ahmad Mardani Broajen	House of Friend Abouzar Chehel Amirani Tehran	Everywhere, sky has the same color Jamshid Asgari Tehran	Two brothers Pezhman Kashefi Tehran	Taleb Abdoreza Farid Zadeh Tehran	Hamoun Is Hamoun Gholam Reza Poudineh Zahedan	Eclipse Mahmoud Farzinezhad Siahkal	Die – hard Mohammad Biria Tehran	Sympathizer Amir Mossayabi Tehran		From T to M Mohammad Reza Dinarvand Booshehr	Stone, Paper, Scissors Mehdi Habibi Malayer	Dear Brother Aghil Taghi Zadeh Tehran		Usurpers Mortaza Vakilian Tehran			
Monday 23 Jan 2006	Nile Savar Ahmad Mardani Broajen	This Angry Group Hamid Reza Moradi Tehran	Adventure of dates Iraj Kalleh Jahi Tehran	Hide-and-seek Behnam Hedayati Tehran	Leave me Abouzar Chehel Amirani Tehran	Stone, Paper, Scissors Mehdi Habibi Malayer	Hamoun Is Hamoun Gholam Reza Poudineh Zahedan	Eclipse Mahmoud Farzinezhad Siahkal	Everywhere, sky has the same color Jamshid Asgari Tehran	Die – hard Mohammad Biria Tehran	Sympathizer Amir Mossayabi Tehran		Taleb Abdoreza Farid Zadeh Tehran	Two brothers Pezhman Kashefi Tehran	Father's Inheritance Jamshid Asgari Tehran	From T to M Mohammad Reza Dinarvand Booshehr	Dear Brother Aghil Taghi Zadeh Tehran
Tuesday 24 Jan 2006	Taleb Abdoreza Farid Zadeh Tehran	House of Friend Abouzar Chehel Amirani Tehran	Mode Farhad Shokrollah zadeh Roodsar	Quarell of hero Mohammad Zare Zadeh Saghez	I wish men were not like this Amir Zeynalpour Khoy	Father's Inheritance Jamshid Asgari Tehran	An Umbrella for me Seyed Soroush Peyambari Kermanshah	Hamoun Is Hamoun Gholam Reza Poudineh Zahedan	Eclipse Mahmoud Farzinezhad Siahkal	Nile Savar Ahmad Mardani Broajen	Stone, Paper, Scissors Mehdi Habibi Malayer	In Touch Khodadad Khoddam Arak	From T to M Mohammad Reza Dinarvand Booshehr	Sympathizer Amir Mossayabi Tehran	Cyclist Mohsen Abdoli Maragheh	Jail broke Prisoner Mokhtar Mohammadi Marivan	Adventure of dates Iraj Kalleh Jahi Tehran
Wednesday 25 Jan 2006	An Umbrella for me Seyed Soroush Peyambari Kermanshah	I wish men were not like this Amir Zeynalpour Khoy	Quarell of hero Mohammad Zare Zadeh Saghez	Adventure of dates Iraj Kalleh Jahi Tehran	Hide-and-seek Behnam Hedayati Tehran	Sympathizer Amir Mossayabi Tehran	This Angry Group Abouzar Chehel Amirani Tehran	Cyclist Mohsen Abdoli Maragheh	Jail broke Prisoner Mokhtar Mohammadi Marivan	Leave me Abouzar Chehel Amirani Tehran	In Touch Khodadad Khoddam Arak	Two brothers Pezhman Kashefi Tehran	Mode Farhad Shokrollah zadeh Roodsar	Die – hard Mohammad Biria Tehran	Everywhere, sky has the same color Jamshid Asgari Tehran	Taleb Abdoreza Farid Zadeh Tehran	
Thursday 26 Jan 2005	Father's Inheritance Jamshid Asgari Tehran	Jail broke Prisoner Mokhtar Mohammadi Marivan	Leave me Abouzar Chehel Amirani Tehran	This Angry Group Hamid Reza Moradi Tehran	Two brothers Pezhman Kashefi Tehran	Usurpers Mortaza Vakilian Tehran	I wish men were not like this Amir Zeynalpour Khoy	An Umbrella for me Seyed Soroush Peyambari Kermanshah	Hide-and-seek Behnam Hedayati Tehran	Cyclist Mohsen Abdoli Maragheh	Quarell of hero Mohammad Zare Zadeh Saghez	In Touch Khodadad Khoddam Arak	Adventure of dates Iraj Kalleh Jahi Tehran	Mode Farhad Shokrollah zadeh Roodsar	House of Friend Abouzar Chehel Amirani Tehran	Dear Brother Aghil Taghi Zadeh Tehran	Die – hard Mohammad Biria Tehran
Friday 27 Jan 2006	Everywhere, sky has the same color Jamshid Asgari Tehran	Dear Brother Aghil Taghi Zadeh Tehran	Hide-and-seek Behnam Hedayati Tehran	In Touch Khodadad Khoddam Arak	Father's Inheritance Jamshid Asgari Tehran	Leave me Abouzar Chehel Amirani Tehran	Usurpers Mortaza Vakilian Tehran	I wish men were not like this Amir Zeynalpour Khoy	An Umbrella for me Seyed Soroush Peyambari Kermanshah			Cyclist Mohsen Abdoli Maragheh	Quarell of hero Mohammad Zare Zadeh Saghez		Mode Farhad Shokrollah zadeh Roodsar	Jail broke Prisoner Mokhtar Mohammadi Marivan	This Angry Group Hamid Reza Moradi Tehran
Saturday 28 Jan 2006	House of Friend Abouzar Chehel Amirani Tehran	Cyclist Mohsen Abdoli Maragheh	Mode Farhad Shokrollah zadeh Roodsar	Usurpers Mortaza Vakilian Tehran	Adventure of dates Iraj Kalleh Jahi Tehran	This Angry Group Hamid Reza Moradi Tehran	Leave me Abouzar Chehel Amirani Tehran	Hide-and-seek Behnam Hedayati Tehran		An Umbrella for me Seyed Soroush Peyambari Kermanshah		Dear Brother Aghil Taghi Zadeh Tehran	Jail broke Prisoner Mokhtar Mohammadi Marivan	Quarell of hero Mohammad Zare Zadeh Saghez	Father's Inheritance Jamshid Asgari Tehran	I wish men were not like this Amir Zeynalpour Khoy	In Touch Khodadad Khoddam Arak
Sunday 29 Jan 2006	The closing ceremony – 18:30 Vahdat Hall																

Daneshjoo Park: Valieasr St. , Enghelab Cross, next to City Theater
House of Artists: Taleghani St. , Northern Shahid Mousavi
Vahdat Hall: Hafez St. , Ostad Shahriar St.
Meellat Park: Valieasr St. , After the Vanak Avn.

Laleh Park: Kargar St., Keshavarz Blvd. cross.
City Park: Vahdat Islami St. , Behesht St.
Rah Ahan Park: Rah Ahan Avn. , North side of Avn.
Bahman Cultural House: Bahman Avn.

Shafagh Cultural House: Seyed Jamalledin Asadabadi, 21th St.
Khayyam Park: 17th Shahrivar St. , Khoshkbarchi St.
Molavi Hall: Enghelab St. , 16th Azar St.
Fadak Cultural House: Ayatollah Madani (Nezam Abad), Fadak Alley, Fadak Park

Dramatic Arts Center
dac@neda.net
www.theater.ir

DAILY BULLETIN

NAMAYESH 2

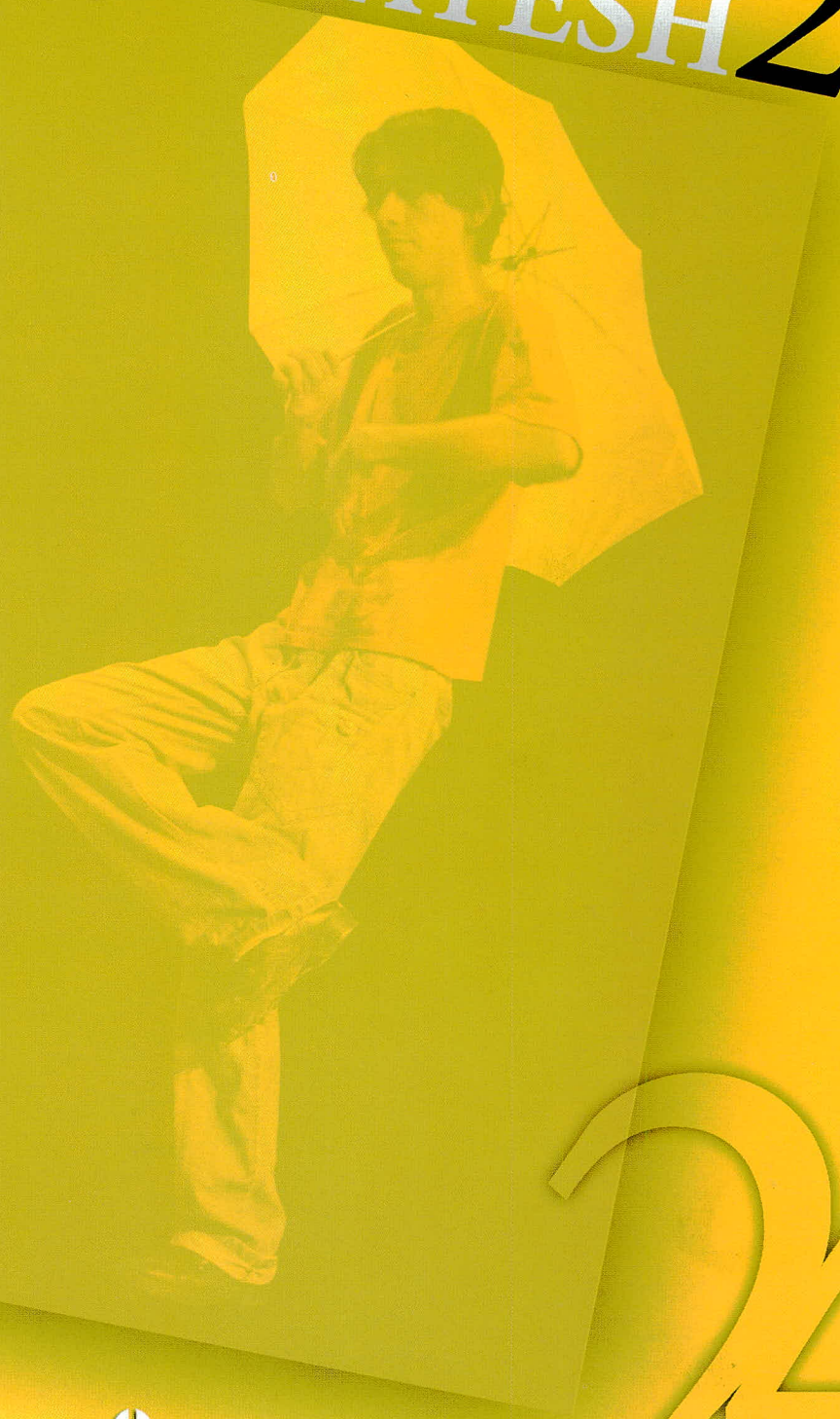

The 24th Fadjr International Theater Festival

24

انجمن نمایش

Dramatic Arts Center